

• معناشناسی اخلاق در بعثت نبوی  
• درامدی بر مبنای نظری اقتصاد تولیدی

پرونده ویژه: اصول و مبنای هنر انقلاب اسلامی  
پرونده ویژه: ضرورت و اهمیت بوم‌سازی شبکه‌های اجتماعی

مقاله: مسئله انتظار  
معرفی کتاب: ده درس امام‌شناسی



## انقلاب بدون یک جهش فکری و فرهنگی، پایا و پویا نخواهد بود

هیچ برنامه انقلابی بدون یک جهش فکری و فرهنگی، پایا و پویا نخواهد بود و رشد و تکامل لازم را نخواهد یافت؛ لذا، نخستین گام در تحقق بخشیدن به چنین هدفی، اقدام به یک انقلاب فرهنگی است که افکار راز دو سو به حرکت در آورد.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)؛ ص ۳۶۰





صاحب امتیاز: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدینه عینی)  
نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز  
کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶  
وبگاه: makarem.ir  
پست الکترونیک: info@makarem.ir  
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۳۳۱-۳۷۷۴۳۸۱۹  
تلفن: ۰۲۵۳۷۸۳۹۹۳۴



- ۲ فهرست
- ۳ طلایعه سخن
- ۴ پیام ها و بیانات
- ۶ دیدارها
- ۸ گزیده سخنان
- ۱۰ یادداشت
- ۱۸ پرونده ویژه
- ۲۶ مقاله
- ۲۸ معرفی کتاب
- ۴۱ مؤسسات وابسته
- ۴۲ معارف اسلامی
- ۴۶ سؤالات شرعی
- ۴۱ یا اباصالح المهدی

## طلایعه سخن

مفهوم انتظار منجی موعود(عج)، به عنوان مولفه بنیادین در جوامع بشری و همه ادیان و مکاتب مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا انتظار مولفه ای معنا دار است که چشم انداز آینده بشریت و جهت آینده و حتی گذشته را به ما نشان خواهد داد.

در تبیین معنای مفهوم انتظار می توان به فلسفه تاریخی انتظار اشاره کرد؛ به ویژه آنکه سیر زمانی(تاریخ) و مکانی(جغرافیا) در مفهوم انتظار که در روایات ظهور به شدت مشهود است معنای انتظار را به همراه دارد و نهیلیسم، پوچ گرایی و بی معنایی را در زندگی جوامع انسانی به شدت نفی می کند.

حال پیوند تاریخ و جغرافیا در اصل ظهور منجی موعود(عج) فرهنگ و هویت را تشخیص می بخشد و در نهایت به تبیین چارچوب تئوریک انتظار منتهی می شود؛ البته تحقق این امر در گرو بازتولید معارف مهدوی است؛ حال آنکه مواجهه خام گرایانه با مفاهیم مهدویت هم چون مفهوم انتظار به مثابه اقتصاد نفتی، مصرف گرایی را فرهنگ تشدید کرده است؛ به نحوی که فقدان نوآوری در ایده پردازی مفهوم انتظار به نوبه خود تبعات متعددی در جامعه به همراه داشته است.

در تبیین این چالش باید به بازتولید ضعیف و ناکارآمد معارف مهدوی اشاره کرد؛ خام نویسی، موسوعه نگاری؛ فقدان تولید فکر در اصل انتظار فعال، ذکر گرایی افراطی، انتظار منفعلانه و سکولاریستی متمایل به تفکر انجمن حجتیه؛ شهود گرایی عرفانی در بستر نفی عقلانیت دینی و اسلام منهای ولایت و تطبیق گرایی.. از جمله مهمترین عوامل اصلی ناکارآمدی تولید علم در معارف مهدوی به شمار می رود.

این بحران فکری در جامعه اسلامی در حالی است که اصل انتظار مساله ای به شدت معنا دار است و از تلفیق ولایت پذیری؛ آینده نگری و احساس گرایی به وجود می آید؛ لذا کاملا فرهنگی است و در متن خود تعامل گرایی و ارتباطات میان

فرهنگی را برای بسط و گسترش انتظار مومنانه در جوامع بشری گسترانیده است؛ این دستاورد بزرگ معرفتی مرهون صلح گرایی و اجتناب از جنگ طلبی در آینده پژوهی تشیع است.

در تشریح این مهم و تبیین هر چه بهتر مفهوم انتظار باید به ریشه های تاریخی اشاره کرد؛ معرفتی که از مبدأ عاشورا تا مقصد ظهور حضرت حجت (عج) امتداد یافته است و مفاهیم بی بدیل آن در ادعیه و زیارت نامه های شیعی نیز به دفعات مورد نظر قرار گرفته است؛ بی جهت نیست که این اصل راهبردی با زندگی مردم به شدت پیوند خورده و از آنجا که انتظار دارای مفهومی فطری است لذا در فطرت و وجدان عمومی مردم در جوامع بشری نهادینه شده است که تجلی آن را نیز می توان در انتظار گرایی اقشار مختلف مردم از ادیان مختلف توحیدی در مناسبت هایی همچون راهپیمایی عظیم اربعین حسینی جستجو کرد.

حال وقتی در فرازی از روایت ها و زیارت نامه ها درباره امام حسین (علیه السلام) می خوانیم که «فقد قاتل کریماً<sup>(۱)</sup>» می توان به جنگ عزتمندانه و جمع اضداد پی برد؛ این مفهوم به ظاهر پارادوکسیکال در سایه صلح طلبی امام حسین و فقیه دفاع آن حضرت ماهیت اصلی مفهوم انتظار را شکل می دهد؛ و از آنجا که انتظار فعال سرشار از امید و نشاط معنوی است لذا جنگ طلبی را بر نمی تابد بلکه عزت و کرامت انسانی مقتضای صلح گرایی عزتمندانه است و اینگونه ظهور امام زمان با این رویکرد عاشورایی(فقه دفاع) آینده روشن جهان را رقم می زند.

شکوه این راهبرد معرفت در آینده پژوهی اسلام در حالی است که مسأله جنگ در غرب با اصل پیشرفت تاریخی گره خورده و اگر جنگ به وجود نیاید، هیچ وقت تاریخ نیز پیشرفت نخواهد کرد؛ بدیهی است جنگ مورد نظر فیلسوفان غربی همراه با پستی و کشتار است و ردالت را رقم می زند هم چون جنگ جهانی اول و دوم که به ویران سازی اخلاق در جوامع بشری منتهی شد.

تضاد معرفتی غرب و اسلام را نیز می توان اینگونه دانست که در غرب مفهوم آزادی (رهایی از بیرون) موضوعیت دارد حال آنکه مفاهیم اسلامی هم چون مفهوم انتظار در پی آزادگی (رهایی از درون) است؛ لذا مفهوم انتظار به عینیت معنا گرا منتهی می شود بر خلاف مکاتب غربی که صرفاً در ساحت آزادی بر عینیت تأکید می روزند و از معنا گرایی به شدت غافلند.

بدین ترتیب «عینیت معنا گرا» مفهوم حقیقی انتظار در جوامع بشری است؛ در واقع مفهوم انتظار از یک بُعد رئالیستی و بُعد ایده آلیستی شکل می گیرد حال تبیین صحیح مفهوم انتظار در پیوند عینیت و ذهنیت در معارف مهدوی به تولید معنا می انجامد.

آری تعدیل عینیت گرایی و ذهنیت گرایی به مفهوم انتظار رنگ و بویی تازه می بخشد؛ به عنوان نمونه توصیف غیبت امام زمان به خورشید پشت ابر؛ تجلی عینیت ذهنیت گرا است؛ چرا که آن حضرت خورشید پشت ابر هستند که اگر چه در ظاهر دیده نمی شوند اما شعاع های نور ایشان پیداست و مردم از آنها منتفع می شوند. لذا آن حضرت عینیت دارد چرا که ما نورهای آن حضرت را می بینیم لیکن غایب است و این امر ذهنی است.

با این اوصاف می توان دریافت مفهوم انتظار از جمله مهمترین معرفت های موجود در علوم انسانی است که با طرح اصالت خانواده در ترسیم انتظار منجی موعود(عج) اصالت فرد در لیبرالیسم و اصالت جامعه در سوسیالیسم را به قهقهرها سوق می دهد.

از این رو انتظار مکمل روح و جسم(غریزه)، فرهنگ و تمدن و دنیا و آخرت است؛ و از آنجا که مفهوم انتظار تلفیق احساس و عقلانیت و نقش آفرینی مرد و زن در تحقق ظهور حضرت حجت(عج)؛ (بخوانید خانواده گرایی) است؛ از این جهت آرمان شهر مهدوی با چاشنی میانه روی و عدم تنازع و جنگ طلبی و اسراف و تبذیر شکل می گیرد و اینگونه آینده روشن جهان در عصر باشکوه مهدوی پدید می آید.

۱. صلوات خاصه امام حسین علیه السلام





## فتوای آیت الله العظمی مکارم شیرازی در مورد عدم جواز تجسس در حریم خصوصی افراد

حریم داخلی مردم «حرام شرعی» است و نباید انجام شود.

اکنون از معظم له درخواست می گردد با بیان اهمیت موضوع حریم داخلی مردم، ما را در ارائه خدمات مطلوب به هموطنان که حاصل تلاش علمی جوانان ایران است، یاری فرمائید.

**پاسخ حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله):**

شک نیست که تعرض به حریم خصوصی افراد چه در فضای مجازی باشد چه در غیر آن شرعا جایز نیست و مسئولیت شدید دارد.

خارجی مانند تلگرام و ... شبکه های اجتماعی و ... از نظر های مختلف خصوصا فرهنگی و امنیتی بر همگان آشکار شده است به همین منظور اقبال و توجهی هم به پیام رسان های داخلی شده که در حال گسترش است اما برخی با اغراض و نیت های دشمنانه سعی در امنیتی نشان دادن پیام رسان های داخلی دارند تا مردم را از وارد شدن به این پیام رسان ها بترسانند.

مقام عظمای ولایت در ابتدای سال جاری و در دیدار با برخی مسئولان نظام بر حفظ آبروی مردم تأکید داشتند و فرمودند: مسئولان باید امنیت و حریم داخلی مردم و کشور را حفظ کنند. تعرض به امنیت و

پس از جوسازی های اخیر در مورد عدم امنیت پیام رسان های داخلی یکی از چندین نامه ای که در این زمینه به دفتر معظم له رسیده است به همراه پاسخ آن در مورد رعایت حریم خصوصی، جهت اطلاع مخاطبین منتشر می گردد:

**متن سوال دریافتی:**

باسمه تعالی

احتراما همانطور که مستحضرد به منظور خود کفایی و رفع نیاز کنونی جامعه به پیام رسان در بستر فضای مجازی، مدتی است برخی مراکز دانش بنیان نسبت به تولید پیام رسان داخلی اقدام و در اختیار مردم قرار داده اند.

امروز عیوب و مضرات پیام رسان های

## توضیح لازم درباره طب اسلامی

پیشگیری از بیماری ها و درمان ها شده است دیده می شود.

ایشان در پایان فرمودند: چنین طبی که حاصل هزاران سال تجربیات بشر است را نمی توان انکار کرد و هنوز بسیاری از مطالب آن راهگشاست منتهی اگر کسانی می خواهند با این طب بیماران را درمان کنند باید دوره ببینند نه اینکه هر عطاری با یک مشت داروهای گیاهی، مغازه خود را مطب قرار دهد و به درمان بیماران بپردازد که این کاری است خطرناک. امیدوارم عزیزان در این مسائل دقت کافی بفرمایند.

پیشگیری از بیماری ها و درمان ها شده است دیده می شود. که بسیار قابل استفاده است ولی آن را نمی توان به صورت یک علم با تمام جزئیاتش مطرح کرد. معظم له خاطرنشان کردند: از سوی دیگر عده ای از این نام (طب اسلامی) برای منافع خود سودجویی کرده و مشکلاتی برای جهان اسلام فراهم کرده اند که وظیفه ما این است از آن جلوگیری کنیم. البته طبی به نام طب سنتی داریم که مجموعه کاملی از پیشگیری ها، دردها و درمان هاست. مثل آنچه در قانون بوعلی سینا که در هشت جلد به چاپ رسیده

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در آغاز درس خارج خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، چنین فرمودند: چند روز قبل در دیدار با وزیر بهداشت مطلب لازمی درباره طب اسلامی گفتم. که مطابق معمول از سوی بعضی تحریف شده بود و سبب سوء تفاهم گردید.

ایشان افزودند: حقیقت این است که ما مجموعه ای درباره تمام دردها و درمان ها و داروها به نام طب اسلامی نداریم. البته اشاراتی در قرآن مجید و اشارات بیشتری در روایات اسلامی به مسائل مربوط به





اعضای دفتر معظم له در اصفهان



سید محمد بطحایی رئیس آموزش و پرورش



سید مرتضی سقاییان نژاد شهردار قم



سید مهدی صادقی استاندار قم



مراسم جشن عید مبعث و عمامه گذاری



علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران



شورای سیاستگذاری کنگره بین المللی نقش شیعه



رئیس دانشگاه ادیان سوئد



رئیس صلیب سرخ جهانی



شورای سیاستگذاری کنگره بین المللی نقش شیعه



مجلس عزاداری شهادت امام موسی کاظم علیه السلام







## ◆ پرهیز از کالاهای خارجی از تدابیر مورد نیاز جامعه است

یکی از تدابیر مورد نیاز جامعه این است که از کالاهای خارجی پرهیز کنیم تا اقتصاد داخلی تقویت شود و تولیدکنندگان نیز باید در این راستا به دنبال افزایش کیفیت و ماندگاری کالا باشند

## ◆ کارنامه نیروی انتظامی مثبت است

لازم می دانم که به نکته مهمی اشاره کنم و آن این که عده ای این روزها موضوع حجاب اجباری را مطرح می کنند در حالی که این افراد «اجبار» را با «الزام» اشتباه می کنند، اجبار به معنای تحمیل کردن عقیده یا کاری غیرمنطقی است، اما الزام به معنای الزامی بودن قانون است، ترک دزدی، شراب خواری و مواد مخدر الزامی است که تخلف از آن پیگرد قانونی دارد، اما این الزام به معنای اجبار نیست یعنی یک وظیفه قانونی که برای هر کاری مطرح می شود و این منحصر به دنیای اسلام نیست

## ◆ توصیه های لازم درباره شهر قم

مسائل فرهنگی در قم با جاهای دیگر تفاوت دارد، برخی مسائل را شاید در جاهای دیگر بتوان اغماض کرد اما کارها در قم باید به فضا و موقعیت این شهر بسازد؛ بنابراین نسبت به مسائل فرهنگی به ویژه حجاب باید دقت کرد

## ◆ آبروی قم آبروی شیعه است

آبروی قم آبروی شیعه است و خدایی نکرده مشکلات آن مشکلات

عالم تشیع است، افزون بر حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها)، مسجد مقدس جمکران و وجود حوزه علمیه بی نظیر، خاستگاه انقلاب به شمار می رود و هرچه به قم خدمت شود به جا است

## ◆ غربی ها با ترویج ایران هراسی در پی فروش سلاح های کهنه خود به قیمت گزاف هستند

غربی ها ایران هراسی را در متن کار خود قرار داده اند و می گویند ایران قوی شده و همسایگانش باید از او بترسند و از این طریق کشورها را تحریک می کنند تا سلاح های خود را بفروشند

## ◆ تحقق «حمایت از کالای ایرانی» نیازمند عزم جدی مردم و مسؤولان است

مسائل اجتماعی مانند حلقه های زنجیر به هم پیوسته هستند که باید برای حل همه آن ها برنامه ریزی کرد، برای حمایت از تولید داخلی فرهنگ سازی بسیار لازم است اما کافی نیست. باید فرهنگ سازی کنیم مردم از اجناس داخلی استفاده کنند و بدانند که اشتغال جوانان و راه افتادن کارخانه ها وابسته به حمایت از کالای ایرانی است و اگر اجناس خارجی استفاده شود جوانان بیکار، کارخانه ها ورشکسته و وابستگی به خارج بیشتر می شود

## ◆ حل مشکلات بدون عزم عمومی ممکن نیست

حمایت از کالای ایرانی و تولید داخلی بسیار مهم است اما تا

زمانی که اهل خبره زنجیره های مورد نیاز آن را حل نکنند این موضوع محقق نمی شود.

## ◆ مسائل مربوط به بهداشت و درمان در جامعه حرف اول را می زند

حمایت از تولید داخلی در دارو هم باید وجود داشته باشد، یکی از مشکلات برخی از داروهای داخلی عدم برخورداری از کیفیت لازم است، نه تنها در مسأله دارو بلکه در همه موارد برای حمایت از کالای داخلی ابتدا باید به سراغ کیفیت برویم.

## ◆ حضور قرآن در همه برنامه های فردی و اجتماعی باید پررنگ باشد

به یقین در قرآن هیچ تحریفی نبوده و نخواهد بود ولی این رسم الخط اغلاط زیادی دارد، باید زمینه فراهم شود تا علمای اسلام برای رفع و اصلاح این مشکل چاره اندیشی کنند، این مشکل سبب غلط خواندن قرآن می شود، باید مشکلات را برطرف کرد تا همه بتوانند قرآن را صحیح بخوانند؛ اصلاح رسم الخط قرآن به هیچ وجه به معنای تحریف نیست و اشکالی ندارد

## ◆ مهره های اصلی دلالان ارزی به عنوان مفسد فی الارض محاکمه شوند

حوادثی که در این چند روز درباره مسأله ارز و مسائل اقتصادی واقع شد و به صورت غیر منتظره هر ساعت تغییر و ترقی پیدا کرد نشان داد توطئه جدیدی در کار است. نمی شود به حسب

موازن اقتصادی ساعت به ساعت ارز ترقی کند و حتما دستی پشت آن وجود دارد، منافقان داخلی با کمک اربابان خارجی دست به دست هم دادند که کشور را به آشوب بکشند و اقتصاد مملکت را فلج کنند.

## ◆ باید در فضای مجازی خودکفا شویم

برخی افراد بدون آگاهی مقامات بالا در بعضی مناطق درصدد اجرای این سند هستند، مسؤولان باید توجه داشته باشند که اجرای سند ۲۰۳۰ به معنای تابع غرب شدن و فاصله گرفتن از مسائل اسلامی است و باید مراقب باشیم

## ◆ فضای مجازی بالای حقیقی شده است

همه باید دست به دست هم بدهند که هویت دینی، مذهبی و اسلامی قم همچنان محفوظ باشد و بدرخشد و واقعا پیشرفت کند، وقتی می بینیم بیش از صد کشور در قم طلبه دارند، در جامعه المصطفی و در حوزه علمیه قم بیش از ۵۰ هزار نفر طلاب و فضلا و اساتید حضور دارند، نشان از جایگاه مهم این شهر دارد

## ◆ مهاجمان به سوریه نشان دادند که هنوز قانون جنگل حاکم است

در دنیای امروز لعابی از انسان دوستی و حقوق بشر در ظاهر وجود دارد اما هزاران نفر را با بمب های خود می کشند و خم به ابرو نمی آورند، باید باطن دنیای کنونی را شناخت که در ظاهر حتی به حقوق حیوانات اهمیت می دهند



## معناشناسی اخلاق در بعثت نبوی

### از منظر معظم له

بی شک رسالت انبیاء الهی، تربیت انسان ها بوده است، لذا در این راه مرارت ها و رنج های فراوانی برده اند. حال کاروان سالار این قافله، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز هدف بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق دانسته و فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده ام.»، لذا شایسته است معانی و مفاهیم اصیل اصل اخلاق در بعثت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بیش از پیش مورد واکاوی و توجه قرار گیرد.

### معنا و چیستی اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» است. به گفته راغب در مفردات، خُلُق و خُلُق (یا خُلُق) هر دو به یک ریشه بر می گردند. در واقع «خُلُق» به معنای هیئت و شکل و صورتی است که با چشم سر دیده می شود و خُلُق به معنای قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می شود. بنابراین، می توان گفت: «اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است» و به گفته بعضی از دانشمندان گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلقیات درونی انسان ناشی می شود، نیز اخلاق می گویند.

البته «اخلاق» را از طریق آثارش نیز می توان تعریف کرد، و آن این که «گاه فعلی که از انسان سر می زند، شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری بطور مستمر از کسی سر می زند؛ هم چون امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران، دلیل بر این است که یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، آن ریشه را خلق و اخلاق می نامند.

اینچنین است که می خوانیم: «خُلُقِ هَمَانِ بی شک نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می کند بی آن که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد.»

همین معنی را مرحوم فیض کاشانی در کتاب «حقایق» آورده است، آنجا که می گوید: «بدان که خوی عبارت است از هیئتی استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می شود.» و به همین دلیل اخلاق را می توان به ملکاتی که سرچشمه پدید آمدن کارهای نیکو است اخلاق خوب و ملکات فضیله اطلاق کرد، و آنها که منشا اعمال بد است به آن اخلاق بد و ملکات رذیله نامید.

همچنین گاه به آثار عملی و افعال ناشی از این صفات نیز واژه «اخلاق» اطلاق می شود؛ مثلاً، اگر کسی پیوسته آثار خشم و عصبانیت نشان می دهد به او می گویند: این اخلاق بدی است، و بعکس هنگامی که بذل و بخشش می کند می گویند: این اخلاق خوبی است که فلان کس دارد؛ در واقع این دو، علت و معلول یکدیگرند که نام یکی بر دیگری اطلاق می شود.

سپاس خداوندی که انسان را نهاد و فطرتی پاک عطا فرمود تا همواره در جستجوی حق باشد و هیچ گاه از توفیق هدایت محروم نساخت و بعضی از بندگان پاکش را یکی پس از دیگری مُرشد آدمیان ساخت و بهترین آنان محمد امین صلی الله علیه و آله را بزرگ ترین معلم اخلاق و خاتم رسولان قرار داد.

سایر پیامبران الهی نیز یکی پس از دیگری به تهذیب نفوس و تکمیل اخلاق که خمیر مایه سعادت انسانها است پرداختند، اما

بر علم سرشار، از هر گونه گناه و انحراف و خطا مصونیت دارد می تواند باشد؟

بنابراین رسیدن به هدف آفرینش و تکامل انسان در جنبه های اخلاقی بدون بعثت انبیا ممکن نیست و مسلماً خدایی که ما را برای این هدف مقدس آفریده چنین مربیانی را نیز برای ما فرستاده است!

در این بین، بعثت نبوی، قیام پیغمبری است که مربی اخلاقی و معلم کتاب و حکمت است به عنوان ممتی بزرگ و نعمتی عظیم از ناحیه خداوند شمرده است؛ که این امر خود دلیل مهمی بر اهمیت اخلاق است.

اینگونه است که امام علی علیه السلام نیز به بیان این نکته می پردازد که من اگر در دوران قبل از بعثت نیز از آن حضرت پیروی می کردم و این را افتخار و فرصت مهمی برای خود می شمردم، به این دلیل بود که آن حضرت از آغاز عمر تحت هدایت و عنایت پروردگار قرار داشت، می فرماید: «از همان زمان که رسول خدا صلی الله علیه و اله از شیر باز گرفته شد، خداوند بزرگ ترین فرشته از فرشتگان خود را مأمور ساخت تا در طول شب و روز وی را به راههای فضیلت و محاسن اخلاق جهانیان وادارد و من هم مانند کودکی که به دنبال مادرش حرکت می کند از او پیروی می کردم. هرروز نکته تازه ای از اخلاق برجسته خود برای من آشکار می ساخت و مرا فرمان می داد که به او اقتدا می کنم.»

اشاره آن حضرت به این نکته مهم است که سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و اله نسبت به من، تنها در جهات ظاهری و معمولی نبود، بلکه هرروز این معلم بزرگ درس، تازه ای از اخلاق و فضیلت به من آموخت و من نیز پذیرا می شدم.

**پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)؛**  
**مظهر خلق عظیم**

گفتنی است قرآن کریم بر خلق و خوی نیکو و اخلاق عظیم و برجسته حضرت محمد صلی الله علیه و آله شهادت داده است لذا می خوانیم: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و (سوگند به قلم و ابزار نوشتن که)

تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری.» تأثیر این اخلاق در پیشرفت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به اندازه ای بود که بعضی آن را به عنوان معجزه اخلاقی پیغمبر می شمرند. در هر حال توصیف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خلق عظیم، نشان می دهد که این ویژگی اخلاقی از والاترین صفات انبیاء است.

### مراد از خلق عظیم نبوی چیست؟

حال پرسش این است که «اخلاق عظیم» که با این اهمیت بیان شده چیست؟ در پاسخ می توان گفت، خُلُق به معنای دین و آیین است؛ یعنی قسم به قلم و ابزار نوشتن که تو صاحب آیین عظیمی هستی؛ هم چنین می توان اذعان کرد خلق عظیم به معنای اخلاق اسلامی است. ای پیامبر ما! اخلاق اسلامی که به وسیله تو تبلیغ شده، اخلاق برجسته و سرنوشت سازی است.

و نیز خلق عظیم به معنای واجد صفات و ویژگیهای زیر بودن: استقامت ورزیدن، اهل بذل و بخشش بودن، و تدبیر امور بر اساس اصول سه گانه عقل و رفق و مدارا، تحمل کردن سختیهای دعوت به سوی خدا، عفو و گذشت از خطاهای مردم، کوشش فراوان جهت یاری مؤمنان، ترک حسد و حرص و مانند آن.

هم چنین خلق عظیم اشاره به صفات برجسته ای است که در آیات اولیه سوره مؤمنون آمده است: مؤمنان رستگار شدند؛ آنها که در نمازشان خشوع دارند، و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند، و آنها که زکات را انجام دهند، و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی عفتی) حفظ می کنند؛ ... و آنها که امانتها و عهدهای خود را رعایت می کنند، و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند، (آری!) آنها وارثانند.

(وارثانی) که بهشت برین را ارث می برند و جاودانه در آن خواهند ماند.» بنابراین کسانی که واجد صفات هفت گانه بالا باشند دارای خلق عظیم هستند.

تمام آنچه در این فراز ذکر گردید از مصادیق خلق عظیم است؛ هر چند منحصر

در آن نیست. بنابراین تفسیر، خداوند به قلم و ابزار نوشتن سوگند یاد می کند که پیامبرش تمام اخلاق ویژگیهای اخلاقی برجسته را دارد. اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اخلاق میدان جنگ، اخلاق به هنگام صلح، اخلاق خانه و خانواده، اخلاق جامعه، اخلاق در سفر، اخلاق در وطن و خلاصه اینکه آن حضرت واجد تمام صفات فضیلت اخلاقی هست و از همه رذیله های اخلاقی پاک و میرا می باشد.

بعضی از مفسران خلق عظیم پیامبر صلی الله علیه و آله را به صبر در راه حق، وسعت بذل و بخشش، تدبیر امور، و رفق و مدارا و تحمل سختی ها در راه دعوت به سوی خدا و عفو و گذشت و جهاد در راه پروردگار و ترک حرص و حسد تفسیر کرده اند و این نشان می دهد که خلق عظیم را منحصر به خوش خویی و نرمش و مدارا ندانسته اند بلکه آن را مجموعه ای از صفات والای انسانی شمرده اند، و به تعبیر دیگر تقریباً همه اخلاق حسنه را در خلق عظیم به طور جمعی دیده اند.

حدیثی که از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل شده است نیز مؤید این معنی است می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ آدَبَ نَبِيِّهِ فَأَحْسَنَ آدَبَهُ فَلَمَّا اكْمَلَ لَهُ الْآدَبَ قَالَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ خداوند پیامبرش را تربیت اخلاقی کرد، هنگامی که تربیت او کامل شد به او فرمود: إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ.»

و اگر در بعضی از روایات خلق عظیم به اسلام یا آداب قرآنی تفسیر شده به خاطر آن است که اسلام و قرآن در بردارنده مجموع فضائل اخلاقی است.

این در حالی است که در بعضی از روایات «حسن خلق» به خوش رویی، نرمش و خوبی گفتار تفسیر شده، از جمله در حدیثی که در «نور الثقلین» در ذیل همین آیه نقل شده می خوانیم: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: حسن خلق چیست؟ فرمود: «تَلَيْنَ جَانِبَكَ وَ تَطَيَّبَ كَلَامَكَ وَ تَلَقَى اخَاكَ بِبُشْرٍ حَسَنٍ؛ حسن خلق آن



است که رفتار خود را آمیخته با نرمش، و کلام خود را پاکیزه و محبت آمیز کنی، و با چهره گشاده برادر مسلمانان را ملاقات نمایی». و این دو با هم منافاتی ندارند.

لذا خلق عظیم اینگونه است که عقل در آن حیران است، لطف و محبتی بی نظیر، صفا و صمیمیتی بی مانند، صبر و استقامت و تحمل و حوصله ای توصیف ناپذیر.

اگر مردم را به بندگی خدا دعوت می کنی تو خود بیش از همه عبادت می نمایی، و اگر از کار بد باز می داری تو قبل از همه خودداری می کنی آزارت می کنند و تو اندرز می دهی، ناسزایت می گویند و برای آنها دعا می کنی، بر بدنت سنگ می زنند و خاکستر داغ بر سرت می ریزند و تو برای هدایت آنهاست به درگاه خدا بر می داری. آری تو کانون محبت و عواطف و سرچشمه رحمتی.

### گذری بر خلق عظیم نبوی

پیروزی پیامبر صلی الله علیه و آله هر چند با تأیید و امداد الهی بود، ولی از نظر ظاهری عوامل متعددی داشت که یکی از مهم ترین آنها جاذبه اخلاقی آن حضرت بود. آن چنان صفات عالی انسانی و مکارم اخلاق در او جمع بود که دشمنان سرسخت را تحت تأثیر قرار می دادوبه تسلیم او می داشت و دوستان را سخت مجذوب خود می ساخت.

حتی اگر این را معجزه اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله بنامیم اغراق نگفته ایم، چنانکه نمونه ای از این معجزه اخلاقی در فتح مکه نمایان گشت، هنگامی که مشرکان خونخوار و جنایت پیشه که سالیان دراز هر چه در توان داشتند بر ضد اسلام و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله به کار گرفتند در چنگال مسلمین گرفتار شدند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخلاف تمام محاسبات دوستان و دشمنان، فرمان عفو عمومی صادر کرد و تمام جنایات آنان را به دست فراموشی سپرد و همین سبب شد که به مصداق «يَذْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا؛ فوج فوج به دین خدا درمی آیند.

« مردم گروه گروه مسلمان شوند.

درباره حسن خلق، عفو، مهربانی، ایثار، فداکاری و تقوای آن حضرت همین بس که در حدیثی از حسین بن علی علیه السلام آمده است که فرمود: از پدرم امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره ویژگی های زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و اخلاق او پرسیدم و پدرم مشروحاً اینگونه به من پاسخ فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله با همنشینانش با خوشرویی و خنده برخورد می کرد و نرمخو و ملایم بود. هرگز خشن، سنگدل، پرخاشگر، بدزبان، عیب جو و مدیحه سرا نبود. هیچ کس از او مأیوس نمی شد و هر که به در خانه او می آمد نومید باز نمی گشت. سه چیز را از خود دور کرده بود: مجادله در سخن، پrgویی، دخالت در کاری که به او مربوط نبود. و دو چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی را مذمت نمی کرد، به جست وجوی لغزش ها و عیب های پنهانی مردم نمی پرداخت.

فقط در مورد اموری که ثواب الهی را امید داشت سخن می گفت. هنگام سخن گفتن به قدری کلماتش در دل ها نفوذ داشت که همه سکوت اختیار می کردند و هنگامی که ساکت می شد آنها به سخن درمی آمدند، اما نزد او هرگز نزاع و مجادله نمی کردند. هرگاه مرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می گفت و درخواستی می کرد، تحمل می کرد و به بارانش می فرمود: هرگاه کسی حاجتی دارد به او عطا کنید. هرگز کلام کسی را قطع نمی کرد تا سخنش پایان گیرد».

### تکمیل فضائل اخلاقی؛ راز بعثت نبوی

در حدیثی می خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من برای این مبعوث شده ام که فضایل اخلاقی را تکمیل کنم». به این ترتیب، یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله همین تکمیل اخلاق نیکوست.

در تبیین این مهم باید گفت بخش مهمی از تعلیمات اسلام، اخلاق است. حال منظور

آن حضرت از فضایل و مکارم اخلاقی، صفاتی مانند: امانت داری، درستکاری، شجاعت، راستگویی، وفاداری، پای بندی به تعهدات، احترام به بزرگترها بخصوص پدر و مادر، رعایت عدالت و مانند آن است. زیرا اخلاق فردی و اجتماعی سبب نجات بشر از مشکلات و پیشرفت در همه کارها و صفا و صمیمیت همه گروهها و صلح و امنیت در جامعه بشری است.

### مکارم اخلاقی در بعثت نبوی؛ به مثابه عدالت فردی و اجتماعی

به اتفاق همه دانشمندان علم اخلاق، رمز خوشبختی و سعادت حقیقی بشر در تعدیل احساساتش نهفته است که از آن به عدالت تعبیر می شود و آن به معنای واقعی کلمه در منطبق کردن مسیر زندگی با راه خدا که صراط مستقیم است خلاصه می شود؛ زیرا روح آرامش و اطمینان آن جاست.

لذا فضایل و سجایایی که در اعماق روح ریشه دوانیده، و سراسر وجود انسان را در بر گرفته باشد. موجب می شود مسلمانان در منافع با یکدیگر شریک باشند و اصول عدالت و انصاف را در حق یکدیگر رعایت کنند.

به عنوان نمونه عدالت در امور اجتماعی با بندگان خدا همین است که با نرمی با آنها برخورد می کنند مادامی که حصار ارزشها را نشکنند، و به مرزهای اخلاق تعدی نکنند، و گرنه دچار شدت و حدت متقین می گردند. و یا «تقوا» به عنوان نماد عدالت فردی باید در همه ابعاد و در مفهوم وسیعش، حتی در برابر مخالفان، و نیز در برابر دشمن تحقق یابد تا رعایت اصول اخلاق اسلامی ترسیم شود.

چرا که باغ پر بار جامعه انسانیت، با گل ها و برگ های پر طراوت اخلاق و فضیلت زینت می یابد و میوه های آن عدالت و مروّت و محبت است و آبی که این درختها را سرسبز و پر بار می سازد، ایمان و تقوا است و در عصر جاهلیت خبری از هیچ یک از این امور نبود. حتی از نظر جهات مادی،

کسب و تجارت و دامداری و زراعت، بر اثر ناامنی و جنگها، به کلی ضعیف گشته بود و فقر شدیدی بر تمام مردم جاهلی حاکم بود، به گونه ای که فرزندان دلبندهشان را از خوف فقر می کشتند که قرآن از آن نهی فرمود و گفت: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ؛ فرزندان خود را از ترس فقر نکشید.» و این غیر از کشتن دختران به خاطر احساس ننگ بود.

اینگونه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد بعثت خویش می فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ برای کامل کردن اصول اخلاقی مبعوث شده ام». و خداوند متعال نیز در مورد فلسفه بعثت انبیا در قرآن کریم می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

طبق این آیه شریفه، یکی از اهداف بعثت انبیا عدالت اجتماعی است. حال در آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ گرامی ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست» به معنای گرامی تر و بزرگوarter است و «مکارم اخلاق» هم به معنای ارزش های اخلاقی و تحقق عدالت در ابعاد فردی و اجتماعی است.

آری وقتی به تعلیمات رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می نگریم مجموعه ای از عقاید خالص توحیدی و احکام و قوانینی را می بینیم که ضامن عدالت اجتماعی است، و برنامه هایی که خالی از خرافات است و اخلاق و ارزش هایی که در قالب عدالت طلبی به حق متمم مکارم الاخلاق می باشد.

### نفی سکولاریسم؛ شکوه پیوند اخلاق و سیاست در بعثت نبوی

در دنیای مادی هم چون کشورهای بزرگ صنعتی، اجزایی تشکیل می شود که هر کدام حافظ منافع گروه معینی می باشد، سپس از هر وسیله ای برای جلب آراء

بیشتر و دستیابی به حکومت بهره می گیرند، و هنگامی که به حکومت رسیدند افرادی را به کار می گیرند، که قدرت آنها را تحکیم کند و اصولی را به کار می بندند که منافع مادی گروهی آنها را تضمین نماید. در برابر این نوع حکومت، حکومت انبیا و اولیاء الله است که نه بر محور منافع فرد دور می زند و نه منافع گروه معینی، بلکه اساس و پایه آن بر حفظ ارزشهای والای انسانی گذارده شده است.

گروه اول با صراحت می گویند که اخلاق و سیاست با یکدیگر جمع نمی شود، بنا بر این فرمانروایی که خویشتن را ملزم به رعایت اصول اخلاقی می داند، در حقیقت مغز سیاسی ندارد، و هرگز حاکمیتش دوام نخواهد یافت! هدف وسیله را توجیه می کند و هر آنچه در راه نیل به هدف دستاویز قرار گیرد نیک شمرده می شود! در حالی که پیشوای گروه دوم می گوید: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق، من تنها برای تکمیل ارزشهای اخلاقی مبعوث شده ام.

یکی از دانشمندان بزرگ تعلیم و تربیت می گوید: «کسانی که سعی دارند اخلاق را از دین جدا کنند و به طور مستقل در تکمیل آن بکوشند، دست به کار خطرناکی زده اند». زیرا جدایی دین از سیاست یعنی محو اسلام، تخریب عقاید و اخلاق.

### بعثت نبوی؛ ترسیم عینی فضائل اخلاقی در مردم گرایی

بی شک نرمش و ملایمت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) سکوی پرش بزرگی برای دستیابی به اهدافی بلند و رمز موفقیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در گرایش مردم به اسلام نبوی است، حال آنکه اگر با خشونت با مردم برخورد می کرد، کسی به گرد او جمع نمی شد» وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ اگر با غلظت و شدت بودی از گرد تو پراکنده می شدند».

انسان با نرمی می تواند قدرت خود را مضاعف کند لذا در حدیثی آمده است: «مَنْ لَانَ عَوْدَهُ كَثَفَتْ اغْصَانُهُ؛ کسی که برگشتن

او نرم و سریع باشد، شاخه هایش زیاد می شود»؛ یعنی اگر کسی زود منعطف به مردم شد و در برخوردها سریع از غضب و شدت خود برگشت، مردم هم به او متمایل شده، و همچون شاخه هائی قوی برای حفاظت و یاری او خواهند بود، این کلام به صورت مثلی درآمده برای افراد متواضع که با مردم الفت گرفته، و مردم نیز آنها را دوست دارند، و در نتیجه بوسیله مردم و با اجتماع آنها قدرت پیدا می کنند.

البته نه تنها پیامبر صلی الله علیه و آله که امام علیه السلام و هر رهبر اجتماعی نیازمند به خلق و خوی جذابی است که مردم را همچون مغناطیس به سوی خود جذب کند.

بدون شک هر گونه خشونت و بدخلقی که مایه پراکندگی و انزجار مردم است برای پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام عیب بزرگی است، و آنها از چنین عیبی منزهند. لذا این اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله بود که باعث جذب مردم به آن حضرت و الفت مردم با یکدیگر شد.

### سخن آخر: «ترویج اخلاق نبوی؛ مهمترین ضرورت در اصلاح اخلاقی جامعه»

در خاتمه باید گفت هدف از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تکمیل فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی است. برآستی اگر اخلاق اسلامی تا این درجه از اهمیت است، باید برای پیاده کردن آن در وجود خویش و جامعه تلاشی مضاعف انجام داد. حال چه خوب است که این اخلاق اسلامی امروز زنده شود و در هر مسلمانی، پرتوی از اخلاق و خوی پیامبر صلی الله علیه و آله باشد.

لذا باید به سمت «انک لعلى خلق العظيم» و اخلاق پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) برویم. زیرا پیامبر(صلی الله علیه و آله) با سلاح اخلاق دلها را تسخیر کرد و با اخلاق اسلامی و خلق عظیم نبوی می توان جامعه را اصلاح کرد.



# در آمدی بر مبانی نظری اقتصاد تولیدی

## از منظر معظم له

عقب مانده» یاد می شود.

در بینش اسلام نیز «تولید» مهم ترین رکن اقتصاد اسلامی به شمار می رود و افزایش نرخ آن از اهداف اقتصادی جوامع اسلامی است و بسیار مورد تأکید و توصیه است.

اینگونه است که اسلام به کار و تولید، ارزش واقعی بخشید و از طریق آموزه های تربیتی و فرهنگی خاص خود، شرایط لازم را جهت تولید و بهره برداری صحیح از طبیعت، فراهم ساخت و همگان را به تشریح مساعی در آن فرا خواند. دلیلش هم روشن بود، زیرا اسلام، خواهان عزت و استقلال جامعه اسلامی بود، و هرگونه تسلط بیگانه و وابستگی به آنان را مردود می دانست، و بنابر اصل محکم نفی سبیل: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. ، و برتری اسلام: «الإسلام يعلو ولا يُعلى عليه؛ اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی یابد.»

دشمنی و مبارزه سرسختانه اسلام با فقر و احترامبه ثروت برآمده از فعالیت های سالم اقتصادی که در سایه آن خدمتی به جامعه از نظر تولید، توزیع و خدمات صورت بگیرد خود موید این مدعاست.

اینچنین است که تولید انواع فرآورده های مادی و فیزیکی از یک طرف و تربیت نیروهای متخصص انسانی و مجهز شدن به آخرین دستاوردهای علمی بشر از سوی دیگر، در سرلوحه آموزه های دینی این آیین آسمانی قرار گرفته است. به نحوی که فعالیت های تولیدی در سیره اولیای دین، به طور گسترده و چشمگیر در تاریخ، انعکاس یافته، در شکل گیری این بینش، نقش بسزایی داشته است. لذا پیامبر این آیین پاک پس از بوسیدن دستان پینه بسته کارگری، فرمود: «هذه يدُ لا تمسها

النار؛ این دستی است که آتش دوزخ به آن نمی رسد.

در این بینش، انسان های بیکار، سربار جامعه معرفی شدند، و افزون بر سقوط معنوی و تزلزل موقعیت اجتماعی شان، دور از رحمت خدا به شمار آمدند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام آن گاه که از امر جهاد، آموزش مردم و قضاوت فارغ می شد، به کشاورزی و باغداری و کندن چاه ها و قنات روی می آورد. در سیره امامان معصوم در اشتغال به تولید، تصویر روشنی از جایگاه تولید در بینش اسلامی دیده می شود که بستر فکری و فرهنگی مناسبی را در جامعه نسبت به امر تولید و جایگاه والای آن فراهم می کند.

### تأملی در مفهوم اقتصاد تولیدی

در علم اقتصاد به مجموع عملیاتی که طی آن، شکل نخستین مواد، تغییر می یابد و یا جابجا می شود «تولید» نامیده می شود. به بیان دیگر «تولید» عبارت است از فعالیتی که با به کارگیری و سازماندهی سلسله عوامل و نهاده هایی همچون سرمایه و منابع طبیعی، به ایجاد کالا و خدمات می انجامد.

در یک جمله کوتاه و ساده تر می توان تولید را به «یجاد فایده» تعریف کرد. البته مقصود از تولید اعم از تولید کالا یا خدمت است، بنابراین انجام فعالیت های خدماتی نیز «تولید» محسوب می شود.

امروزه نظریه پردازان اقتصاد بر این باورند که منابع طبیعی، سرمایه های فیزیکی، تکنولوژی و نیروی انسانی، مجموعه عناصری هستند که در تولید و ایجاد کالا و خدمات، نقش اصلی را ایفا می کنند، در این میان سرمایه انسانی و بهره وری درست از آن، پایه اصلی ثروت ملت ها را تشکیل می دهد.

لذا «کار» قوه محرک اقتصاد تولیدی و محصول این نیروها است چرا که اگر کارگر «کار فکری» باشد مانند «مدیریت» و «آموزش» و «طرح نقشه های تولید و عمرانی» و «ابداع و اختراع و اکتشاف» محصول مستقیم قدرت فکری و خلاقیت انسان است، و اگر «کار جسمی» باشد محصول نیروی بازوی او است.

در اقتصاد سرمایه داری، انسان وسیله ای است در خدمت تولید، و لذا انسان (کارگر) همپایه دیگر ابزار، دیده می شود؛ ولی در سیستم اقتصادی اسلام، محوریت با انسان (کارگر) است و «تولید» وسیله ای در خدمت اوست.

بر اساس همین تفاوت نظری است که برخلاف سیستم های اقتصادی رایج جهان، ابوابی چون «مزارعه»، «مضاربه» و «مساقات» در نظام اقتصادی اسلام مطرح است. و این از آن جهت است که باید سود عادلانه ای نیز برای کارگر به عنوان ابزار تولید در نظر بگیریم، تا چرخ های اقتصاد به حرکت در آید، و زمینه کار بیشتر فراهم گردد، تا منفعت کارگر بصورت کاملتری تأمین شود.

### تحقق اقتصاد تولیدی در گرو اخلاق گرای و نفی اقتصاد لیبرالیستی

لازم به ذکر است در نظام اقتصادی لیبرال، هدف از «تولید» رسیدن به «حداکثر سود با کم ترین هزینه» است. انسان در این نظام بی آنکه به اصول اخلاقی و معنوی پای بند باشد، به دنبال سود بیشتر با هزینه و تلاش کمتر است، لذا هر چیز که او را به این هدف برساند، تولید می کند، حتی اگر به انواع مفسد اجتماعی و پا گذاشتن روی اصول اخلاقی و انسانی بینجامد، از این جهت که تولید در این نظام، هیچ محدودیتی ندارد، حتی تولید فرآورده هایی چون سلاح های شیمیایی و میکروبی، مواد مخدر، انواع مشروبات الکلی و قرص های خانمان سوز روان گردان و ... عملاً مجاز شمرده می شود، هرچند به حساب ظاهر در شعارها و قوانین رسمی به گونه ای دیگر می گویند و می نویسند؛ ولی حقیقت آن است که بر اساس جهان بینی مادی، عملاً راهی جز «حداکثر

خواهی سود» برای آنها باقی نمی ماند. حقیقت آن است که دنیای مادی، در تولیدات خود توجهی به زیان بار بودن آن برای مصرف کنندگان ندارد، از این رو در مزارع، کشتزارها و کارخانه ها فرآورده هایی تولید می کند که آثار زیانباری برای مصرف کنندگان دارد و حتی گاه به مرگ آنها نیز می انجامد.

حتی گاه با نهادهای ارزیابی و کنترل و به اصطلاح «استانداردها» کنار می آیند و فرآورده های زیانبار خود را وارد بازار می کنند، صرفاً دلیل آن که در دنیای مادی تنها سودآوری مورد توجه است، در حالی که در مکتب اسلام، تولید مواد زیانبار و اضرار به مردم و محیط زیست ممنوع شمرده شده است.

ولی اسلام به مقتضای واقع گرایی خود و اهتمام ویژه به بُعد معنوی و ارزش های اخلاقی انسان، محدودیت هایی را در امر تولید قائل شده است که دارای ریشه های فطری است و از اعماق وجود انسان، سرچشمه می گیرد. در این نگاه، تمام آزادی های اقتصادی، در محدوده ارزش های اخلاقی و معنوی جای دارد زیرا تولید محوری باید با اصول اخلاقی آمیخته شود، از این رو اسلام تولید منهای اخلاق را بر نمی تابد.

آری اگر اخلاق در تولید کالا آمیخته گردد، روز به روز فاصله زیاد بین فقیر و غنی کم می شود، اسلام می گوید: هر وسیله ای که برای جامعه بشری زیانبخش است، تولید آن حرام است. اگر چه بسیارند کسانی که مرز نفوذ ناپذیری میان مسائل اخلاقی و مسائل اقتصادی قائلند ولی انقلاب اسلامی ایران این مرز خیالی را در هم شکست، و کار برد عظیم مسائل مذهبی و اخلاقی را در زمینه های اقتصادی کاملاً روشن ساخت.

اسلام مخصوصاً با وضع قاعده لاضرر (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام)، از این نوع ضرر رسانی به جامعه جلوگیری می کند، مطابق این قاعده که از قوانین مهم و حاکم بر سایر قوانین است، هر نوع اقدام ضرری، چه در مرحله وضع آن و چه در مرحله

اجرا مشروعیت ندارد. مطابق این قاعده مردم حق ندارند به یکدیگر ضرر رسانند، این قانون از هر چه موجب اضرار به مردم، محیط زیست و جامعه بشری می شود، جلوگیری می کند و به یقین شامل تولید مواد زیان آور نیز می شود.

با این تفاسیر فعالان عرصه های تولیدی، آزاد نیستند که هرگونه خواستند تولید کنند بلکه باید اخلاق را اعم از الزامی و غیر الزامی بر فرایند تولید حاکم سازند.

### ایجاد فرایند اقتصاد تولیدی نیازمند مقابله فکری با اقتصاد ربوی

ربا به مفهوم واقعی کلمه این است که انسان در گوشه ای بنشیند و سود سرمایه اش را بگیرد خواه به شکل ربا دادن باشد و یا گذاردن ابزار تولید در دست دیگری به همین دلیل می بینیم قرآن مجید در مخالفت با ربا می گوید «فلکم رؤس اموالکم؛ تنها حق دارید سرمایه خود را بگیرید نه بیشتر»

«تحریم ربا بمعنی بنیانی، استثمار و رابطه سرمایه داری است، زیرا اساس روابط سرمایه داری بر این است که سرمایه سهمی از ارزش تولید شده دارد و قرض و یا سرمایه گذاری ماهیت این رابطه غلط را تصحیح نمی کند.»

قبول چنین حقی علاوه بر این که جامعه را به دو قطب «سرمایه دار» و «کارگر» تبدیل می کند باعث بیکاری و کم کاری عده ای از افراد جامعه است. به ویژه آنکه بدانیم اقتصاد ربوی پول را از واسطه کالا بودن خارج و آن را تبدیل به کالا می کند.

لذا یکی از حکمت های تحریم ربا عبارت از فساد مالی است. چه اینکه به وسیله ربا، اموال سرشاری بدون هیچ گونه فعالیت اقتصادی نزد رباخوار جمع می شود بی آنکه هرگز زبانی دامن او را بگیرد و همین امر توازن و تعادل اقتصادی جامعه را بر هم می زند.

بدیهی است در سیستم اقتصاد ربوی، در برابر یک سرمایه دار رباخوار ممکن است صدها نفر پس از مدتی از هستی ساقط گردند و سرمایه و ثروتشان به تدریج به جیب یک نفر یا یک مؤسسه رباخوار



سرازیر شود و این عمل باعث فقر و بیچارگی صدها نفر از سوی و تراکم ثروت ها و تکاثر اموال از سوی دیگر می شود و جامعه از تعادل و توازن اقتصادی خارج می گردد.

ربا سبب می شود صاحبان پول و سرمایه، دست از تولید و کار کشیده و تجارت و فعالیت اقتصادی مفید را کنار بگذارند و با رباخواری به جمع اموال و انباشت سرمایه اقدام کنند. روشن است با این عمل به تدریج طبقه ای در جامعه به نام رباخواران پیدا می شوند بی آنکه پول و ثروت را در مسیر تولید قرار دهند و مولد باشند، با پول، پول می آورند و در مقابل آن بخش عظیمی از توده مردم با کار و تلاش، تولید می کنند؛ ولی نتیجه کارشان را به رباخوار تحویل می دهند و اگر زبانی متوجه شود گریبان توده زحمتکش را می گیرد.

این گونه است که «رباخواری» یکی از عوامل اصلی فقر و اختلاف طبقاتی است؛ یعنی ربا موجب می شود طبقه ای غیر مولد، ولی سرمایه دار تمام هستی طبقه ضعیف و مولد را تدریجاً ببلعد. ناگفته پیداست این نوع فساد اقتصادی، به دنبال خود مفساد اخلاقی و اجتماعی و سیاسی گوناگونی را موجب می شود و سرچشمه انواع وابستگی های فسادانگیز خواهد بود.

هشام بن حکم آن فیلسوف و متکلم و دانشمند برجسته اسلامی می گوید از امام صادق علیه السلام درباره فلسفه تحریم ربا سؤال کردم امام علیه السلام در جمله های کوتاهی چنین فرمود: «انه لو كان الربا حلالا لترك الناس التجارات و ما يحتاجون اليه فحرم الله الربا لتفتر الناس من الرام الى الحلال، و الى التجارات من البيع و الشراء، يبقى ذلك بينهم في القرض؛ اگر رباخواری حلال باشد مردم تجارت و فعالیتهای تولیدی را که مورد نیاز جامعه آنها است ترک می گویند، و به رباخواری روی می آورند، لذا خداوند ربا را حرام کرده تا مردم از حرام به حلال روی آورند، و به سراغ کسب و کار و خرید و فروش و تولید بروند، و مسأله قرض بصورت قرض الحسنه (و خالی هز ار هگونه سود و صرفاً متکی به اصول اخلاقی) در میان آنها باقی بماند».

### تبیین اقتصاد اسلامی پیشرفت؛ مهمترین ضرورت در ایجاد اقتصاد تولیدی

گفتنی است جنگها و صلحها و پیمانهای نظامی و روابط بین المللی، در عصر ما بیش از هر چیز بر محور «مسائل اقتصادی» دور می زند. البته نه به آن صورت مبالغه آمیز که «مارکس» و «انگلس» و پس از آنها «لنین» می گویند که نیروی

متحرک تاریخ بشر در همه زمینه های علمی و صنعتی و ادبی و اخلاقی و ... در تمام طول تاریخ تنها «مسأله اقتصاد»، و «اصل تولید» مد نظر بوده است، این سخن، با این عمومیت، به معنای آن است که تمام غرایز و امیال و عواطف و انگیزه های گوناگونی را که در روح بشر ریشه دوانده و سرچشمه فعالیت های اجتماعی او می شود همه را نادیده گرفته و بگوییم: «انسان همچون یک دستگاه ماشین است که برای ادامه کار خود فقط سوخت لازم دارد!» با این همه سهم عوامل اقتصادی در این رویدادها مخصوصاً در عصر کنونی غیر قابل انکار است.

بر خلاف مکاتب غربی که تحقق پیشرفت اقتصادی را در گرو فروپاشی اجتماعی و جنگ طلبی دنبال کردند؛ لیکن دقت و ژرف اندیشی در اقتصاد اسلامی نشان می دهد که در نگاه دین، اقتصاد از جایگاه ویژه و اولویت خاصی در حفظ نظام اجتماعی برخوردار است به گونه ای که از برخی از آیات استفاده می شود افراد و جوامع بشری چنان متکی به توانمندی اقتصادی اند که قوام و دوام امور فردی و اجتماعی آنها در گرو آن است. چرا که از دیدگاه اسلام، همه افراد جامعه به منزله اعضای یک پیکرند، به گونه ای که مصلحت و منفعت فرد نمی تواند از منافع دیگران جدا باشد. چنان که زیان یک فرد نیز نمی تواند از زیان جامعه جدا باشد.

توجه به ماهیت و طبع سیستم اقتصادی شرق و غرب نیز این واقعیت را روشن می سازد. که هیچکدام در نفی عدالت اجتماعی، و نفی جامعه توحیدی، و ایجاد جامعه طبقاتی و شرک آلود و مبارزه با آزادی و کرامت انسان دست کم از دیگری ندارند

لیکن در اصول فکری اقتصاد اسلامی پیشرفت، بهره گیری از عنصر ایمان و اخلاق و کاربرد آن در تولید و مصرف و خدمات غیر قابل انکار است.

هم چنین در حالی که سوسیالیسم و کمونیسم روی مالکیت کمون ها و جامعه تکیه می کنند، و کاپیتالیسم روی مالکیت فرد، لیکن اسلام مالکیت را به معنی واقعی کلمه برای خدا می داند و طرح کاملاً جدیدی در زمینه ارائه می دهد و می گوید: «وانفقوا مما جعلکم مستخلفین فیها؛ آنچه خداوند شما را جانشین و نماینده خود در آن قرار داده انفاق کنید»

این احساس که «در حقیقت مالک اصلی خداست، و این امانت چند روزی دست ماست»، دید و درک تازه ای به انسان در مسائل مربوط به تولید می دهد، و او را در اقتصاد تولیدی به رعایت نظر صاحب امانت در تمام زمینه هاموظف می سازد؛ لذا تولید کننده نمی تواند هرگز، فعال ما یشاء باشد و آن کند که شخصاً می پسندد و علائق خاص یا تمایلات و هوسهای او ایجاد می نماید، در آورد. اینچنین است که اقتصاد اسلامی که تار و پودش با مسائل اخلاقی همراه است، عدالت را پایه اصلی خود قرار می دهد

با این اوصاف نظام اقتصادی اسلام مبارزه با فقر را یک اصل اساسی به حساب آورده، راه وصول به آن را در گرو و حرکت جدی و برنامه ریزی شده به سوی عدالت و کم کردن فاصله طبقاتی بر می شمرد همان اصولی که اقتصاد مادی غرب هیچ کدام از آنها را به رسمیت نمی شناسد و در

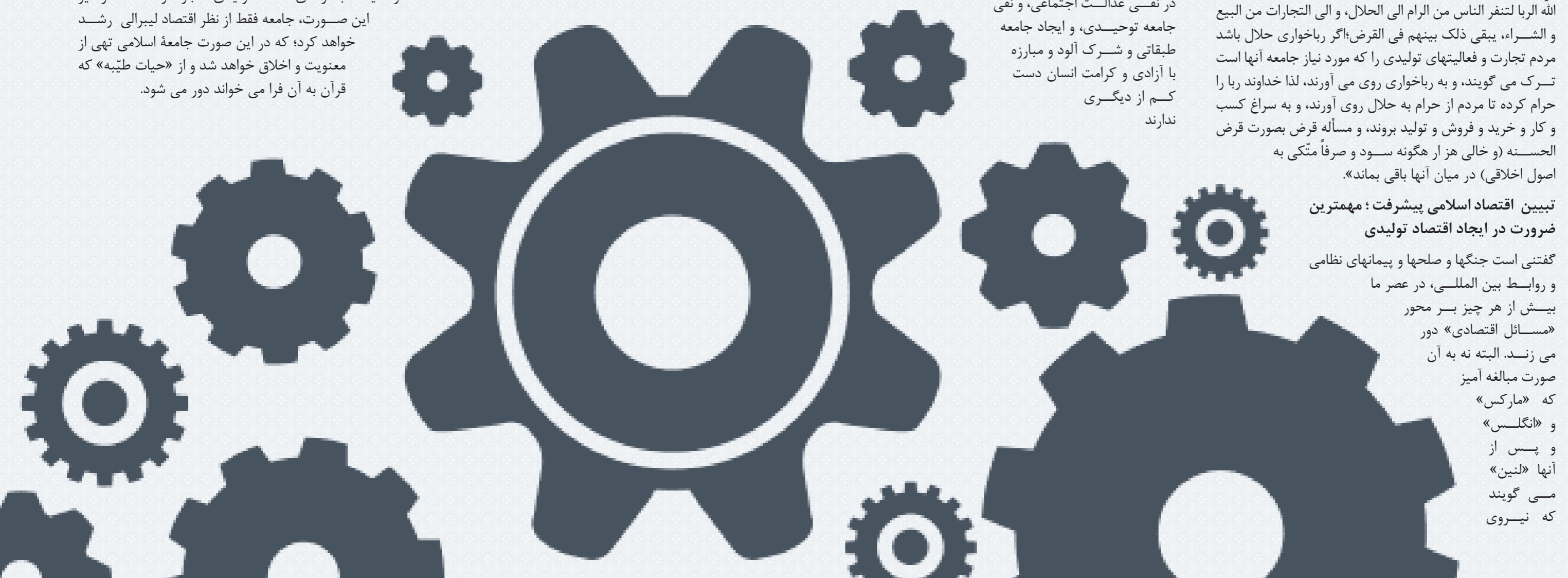
مسیری بر ضد آن حرکت می کند بلکه بر خلافتکاری های خود لباس قانون نیز پوشانده است.

همه این امور به «حیات طیبه» می انجامد زیرا شاخصه مهم اقتصاد اسلامی توجه به معنویت، اخلاق و عدالت است. لذا اقتصاد تولید محور، وسیله ای خواهد بود در جهت خدمت به هم نوعان، و ابزاری برای ترقی مادی و معنوی آحاد جامعه؛ از این رو فعالان تولید در کشور همه ابزارهای دنیوی و ثروت و قدرت را در آن مسیر به کار می گیرند و طبیعی است که با این اندیشه و تفکر، هرگز از خط اخلاق و عدالت خارج نمی شوند و اصالت سود را بری اقتصاد تولیدی بر نمی تابند.

### سخن آخر: (مبانی حقیقی اقتصاد تولیدی در جامعه فرهنگ سازی شود)

در خاتمه باید گفت ترویج مبانی فکری اقتصاد مولد و فرهنگ متعالی تولید و کار، و ارزش گذاری معنوی بر فعالیت های تولیدی، زیرساخت های اقتصادی کشور را در موضوع کار و تولید، چنان اوج خواهد داد که «کار و تولید» در ردیف یکی از عبادت ها قرار خواهد گرفت، و کرامت و مقام انسان نزد خداوند به آن گره خواهد خورد، و تلاش جهت تولید و کار، به مثابه جهاد در راه خداوند قلمداد می شود.

نباید فراموش نمود فرهنگ سازی و ترویج اقتصاد اسلامی پیشرفت که از اهداف توسعه اسلامی است با وجود نیروهای قابل و شایسته به ارتقای اقتصاد تولیدی منجر خواهد شد. در غیر این صورت، جامعه فقط از نظر اقتصاد لیبرالی رشد خواهد کرد؛ که در این صورت جامعه اسلامی تهی از معنویت و اخلاق خواهد شد و از «حیات طیبه» که قرآن به آن فرا می خواند دور می شود.





## اصول و مبانی هنر انقلاب اسلامی

### از منظر معظم له

بی شک پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی بر پایه انقلاب فرهنگی بنا شد. لذا از جمله مهمترین برکات انقلاب اسلامی ایران که دستاورد خون هزاران شهید مظلوم است

اقبال عمومی مردم به مقوله هنر می باشد به نحوی که این اصل بنیادین فرهنگی پس از پیروزی انقلاب، حوزه وارد مرحله تازه ای شد و در ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفت

در این بین نکته کلیدی این است که اصول و مبانی هنر انقلاب اسلامی به معنی اصیل و سازنده آن مورد توجه قرار گیرد تا سخن حق نظام اسلامی در قالب هنر و فرهنگ به قلوب آحاد مسلمانان و دیگر جوامع بشری راه یابد.

#### دین؛ خاستگاه اصلی هنر

مطالعات مختلف، اصالت پیوند دین با هنر را ثابت می کنند. در تبیین این مهم باید گفت روح انسان، دارای ابعاد مختلفی است که یکی از آنها بعد مذهبی است که حس «راستی»، «نیکی» و «زیبایی» به عنوان مولفه های مهم هنر از آن نشأت می گیرد به عبارت دیگر به موازات سه مفهوم «زیبایی»، «نیکی» و «راستی»، مقوله چهارم «قدسی» یا «یزدانی» که از سه مفهوم دیگر مجزاست، منشأ تولید سه بُعد دیگر است.

از این رو «حس مذهبی» با «حس نیکی» رابطه بسیار نزدیکی دارد و پشتوانه ای برای آن محسوب می شود و می تواند به آن رونق بخشد و دایره نفوذ و تأثیر آن را گسترش دهد.

به گفته «ویل دورانت» جوامع، به ندرت مقررات اخلاقی خود را بر بنیان روشن منافع اقتصادی و سیاسی اجتماع استوار ساخته اند، لیکن برای ایجاد پاسبانی نامرئی و تحریک تمایلات اجتماعی و ارتقای حس

لذا علاقه انسان به هنرهای اصیل و واقعی،

خوف و رجا در میان توده مردم از دین استفاده کرده است؛ به این ترتیب که دین هاله مقدس برگرد مقررات اخلاقی ایجاد می کند. هم چنین هنری که از حس راستی سرچشمه می گیرند، در حقیقت بازگشتی به درک نظام آفرینش و قوانین عمومی آن یا ریزه کاری ها و خصوصیات و مشخصات این جهان پهناور است، بنابراین «عشق به علم» در حقیقت «عشق به درک نظامات هستی» است. از این جهت ملکات اخلاقی و حالات و کیفیات روانی که تجلیات حس نیکی است، بر خلاف مفاسد و انحرافات اخلاقی که تخت عنوان هنر از افراط و تفریطها و از عدم کنترل امیال و خواسته ها و هرج و مرج در آنها سرچشمه می گیرد. در واقع یک نوع «عشق به نظام اخلاقی» است که در هنر حقیقی تجلی می یابد.

«گلبرت» نویسنده کتاب «مهاجرت افکار»، تحت عنوان دین و هنر چنین می نویسد: «دین یکی از اساسی ترین مبانی هنر به شمار می رود، چنان که هنر نیز یکی از بهترین وسیله های ابراز کیفیت تفکر دینی است و در سراسر جهان از معابد چین گرفته تا مجسمه های مکزیک هنرمندان، عالی ترین و بهترین نمونه های فنی و هنری را برای بزرگداشت خدایان به وجود آورده اند».

گفتنی است زیبایی ها که هدف حس زیبایی است، چیزی جز «نظام بدیع سمعی و بصری» نمی باشد؛ نغمه های موزون یک صدای خوب، اعضای موزون یک پیکر زیبا، ساختمان موزون یک اثر بدیع همگی نظاماتی هستند که سماع و بصر انسان را تحت تأثیر کشش فوق العاده خود قرار می دهند و اینچنین همه این مولفه های زیبایی شناسانه در هنر به منصف ظهور می رسد.

البته منظور از سرچشمه این است که حس مذهبی به جایی متکی است از این رو تکیه گاه سه گانه هنر می باشد.

فرهنگ؛ پایه و اساس هنر انقلاب اسلامی فرهنگ، مجموعه اموری است که به روح و فکر انسان، شکل می دهد و انگیزه اصلی او را به سوی مسائل مختلف از جمله تحقق هنر متعهد دینی و انقلابی فراهم می سازد. لذا مجموعه عقائد، تاریخ، آداب و رسوم جامعه، ادبیات و هنر، همان فرهنگ جامعه است.

اینچنین است که یکی مهمترین اهداف شکل گیری انقلاب اسلامی، نشر فرهنگ صحیح و تعلیم و تربیت است و با توجه به این که انسان یک موجود فرهنگی است، یعنی اعمال و رفتار او بازتابی از مجموعه تفکرات و آگاهی های او است؛ لذا هر گونه اصلاح و دگرگونی در وضع جامعه از طریق بهره گیری از هنر، بدون نفوذ در فکر و روح او امکان پذیر نیست و درست به همین دلیل در جوامع امروزی برای رسیدن به اهداف مختلف سیاسی و اجتماعی و نظامی و اقتصادی، سعی می شود از طریق اصل هنر، در فرهنگ ملت ها نفوذ کنند.

بر این اساس نظام اسلامی باید بر روی هنر به معنی عام آن، اعم از وسایل ارتباط جمعی اعم از رسانه های متعدد دیداری و شنیداری، مطبوعات، فضای مجازی و مانند آنها، سرمایه گذاری بسیار سنگینی کند و این ضرورت یک واقعیت است نه مبالغه و اغراق؛ چرا که اگر هنر انقلاب اسلامی در طریق نشر فرهنگ صحیح و سالم، برنامه ریزی جامع و مؤثری داشته باشند و بر فرهنگ و محور فضاثل دور زند؛ محیط اجتماعی سالم می شود؛ افراد جامعه به صورت خودکار به وظایف خویش عمل می کنند. و زمینه بسیار مناسبی برای پرورش صفات عالی انسانی و تهذیب نفوس فراهم می شود، لیکن اگر هنر یگ جامعه از رذائل اخلاقی مایه بگیرد، محیط را کاملاً آماده پذیرش رذائل می سازد.

#### چشم انداز هنر متعهد انقلابی در ساحت زیبایی شناسی

هنگامی که سخن از فطرت می گوئیم منظور احساسات درونی و درکی است که هیچگونه نیازی به استدلال عقلی ندارد. لذا هنگامی که یک منظره بسیار زیبای طبیعی، یا یک گل بسیار خوشرنگ و خوشبو را می بینیم جاذبه نیرومندی از درون خود نسبت به آن احساس می کنیم که نام آن را تمایل و عشق به زیبایی می نهیم؛ و هیچگونه نیازی به استدلال در اینجا نمی بینیم. زیرا حس زیبایی یکی از تمایلات عالییه روح انسانی است.

لذا روانشناسان معتقدند تمام زیباییهای هنر، به معنی واقعی مولود حس زیبایی است. به عبارت دیگر «حس زیبایی» منشأ پیدایش شعر و ادبیات و هنر، به معنی واقعی است. و هنگامی که انسان حس زیبایی را در درون جان خود احساس می کند در نهایت به ابداع انواع آثار هنری سوق داده می شود.

بدون شک این بعد از روح انسانی نقش مؤثری در احیاء هنر دارد، لذا باید به طرز صحیح و سالم و به دور از هرگونه افراط و تفریط و اسراف و تبذیر اشباع گردد. که در صورت تحقق این مهم؛ سر چشمه تحولهایی در زندگی فرد و جامعه می شود.

حال به کار گیری حس زیبایی و تزریق امید در آثار هنری؛ خلایقیت و نوآوری را در عرصه های هنری رقم خواهد زد که اشباع آن به صورت صحیح، و اجتناب از هرگونه افراط و تفریط، روح جامعه را شاداب می سازد، و به مردم نشاط و آرامش می بخشد، و آنها را برای انجام کارهای سنگین زندگی آماده می کند.

#### اخلاق گرایی؛ اصل بنیادین در هنر انقلاب اسلامی

بدون شک هنر مانند همه سرمایه های فرهنگی جامعه در صورتی ارزشمند است که در یک مسیر صحیح به کار افتد و از آن بهره گیری مثبت و سازنده شود، اما اگر به عنوان یک وسیله مخرب برای ویران کردن بنیان اعتقاد و اخلاق جامعه و تشویق به فساد و بی بند و باری مورد استفاده واقع شود، و یا انسانها را به پوچی و بیهودگی و خیال پروری سوق دهد، یا تنها یک سرگرمی بی محتوی تلقی گردد، بی ارزش و حتی زیانبار است.

ارزیابی اسلام در این زمینه روی «هدفها» و «جهت گیریها» و «نتیجه ها» است، اما متأسفانه در طول تاریخ هنری اقوام و ملل جهان، از آن سوء استفاده فراوان شده است، و این مسأله مهم فرهنگی در محیطهای آلوده آن چنان به ننگ کشیده شده است که گاه از مؤثرترین عوامل فساد و تخریب بوده است.

لیکن در دورانی که شاهد و ناظر بارور شدن

انقلاب اسلامی بودیم با چشم خود دیدیم که هنر متعهد انقلابی و آثار فاخر هنری و فرهنگی چه شور و هیجان و جنبشی می آفریند و چگونه خونها را در رگها به جوش می آورد، و صفوف انسانها را به خروش وامی دارد، و به راستی چه کسی می تواند انکار کند که گاه یک اثر فاخر هنری آن چنان در اعماق جان انسان نفوذ می کند که یک کتاب بزرگ و پر محتوا کار آن را انجام نمی دهد.

ولی افسوس که در طول تاریخ، گروهی ساحت هنر را که از زیباترین مظاهر آفرینش است آلوده کرده اند، گاه آتش جنگهایی با آثار خود برافروختند، و انسانها را برای غارت و کشتار به جان هم انداختند و صفحه زمین را از خون بی گناهان رنگین ساختند.

ولی در مقابل، هنرمندان با ایمان و پر همتی بودند که باج به فلک نمی دادند، و هنر را در طریق آزادی انسانها و پاکی و تقوا، و مبارزه با دزدان و غارتگران و جباران به کار گرفتند و به اوج افتخار رسیدند.

این مسأله نشان می دهد اهتمام به اخلاق گرایی در عرصه های هنری موجب خواهد شد تا جامعه اسلامی هیچ گاه آلت دست بیگانگان و ایادی آنها نگردد، افسوس که در اثر نواقص برنامه های هنری و فرهنگی، روز به روز سطح افکار بسیاری از جوانان ما پایین تر آمده و وضع اخلاقی آنان اسف انگیزتر می شود، حال اگر به زودی فکر اساسی برای این موضوع نشود، و با یک نقشه صحیح به اصلاح هنر در جامعه اسلامی نپردازیم چیزی نمی گذرد که امید اصلاح بدل به یأس قطعی شده و کار به جایی خواهد رسید که باید ناظر صحنه های تأثرآور و شاهد حوادث دردناک و ناگواری در این عرصه مهم فرهنگی باشیم.

اینجانب مکرر با افراد مؤثر و رجال عرصه های هنری و فرهنگی تماس گرفته ام و این موضوع را با ذکر شواهد و دلایل روشن گوشزد کرده ام، با هر طرف که صحبت می کنیم می بینیم او هم با ما هم صداست، بلکه از خرابی اوضاع مطلع تر است ولی تعجب در این است که عمل مثبتی برای



بر انداختن ریشه فساد در عرصه های هنری دیده نمی شود؛ البته چون امروز خرابی وضع فرهنگ افکار عمومی را به خود متوجه ساخته و طوری هم نیست که بتوان پرده بر آن انداخت، بهترین راه برای نجات از دست اعتراضات و حملات سیل آسای مردم را، این می دانند که خود نیز با آنها هم صدا شوند و فریاد آید دزد آید دزد بلند کنند!

### زندگی محوری؛ مهم ترین شاخصه هنر انقلاب اسلامی

تحقق زندگی اجتماعی بشر مطلب ساده ای نیست؛ چرا که نیاز به تقسیم استعدادها، و جاذبه های مختلف فکری و جسمانی، و برنامه ریزی دقیق، و تقسیم کار، و همچنین نیاز به هماهنگی و همدلی و الفت میان دل ها دارد؛ حال به راستی چگونه باید روح اجتماعی را با تمام ویژگی هایش برای حرکت دادن انسان در مسیر تکامل ایجاد کرد؟

با الهام گرفتن از کتاب و سنت و دلیل عقل می توان به اصل زندگی محوری و اجتماع گرایی رهنمون شد زیرا انسان موجودی است اجتماعی، و تنها در سایه اجتماع و زندگی جمعی می تواند به اهداف والای خود دست یابد، مشکلات خود را آسان تر مرتفع کند، و به سعادت مطلوب سریع تر برسد.

آثار هنری باید به گونه ای تولید شود که مردم به سوی زندگی محوری با رویکرد یک زندگی ساده توجیه شوند، و خطر

تجمل پرستی که توسط رسانه های غربی صورت

می گیرد دفع گردد.

و به عبارت دیگر هنری که رافع نیاز آحاد مردم باشد برای جامعه مفید است؛ اصولاً تصویری که زبان هنر ترسیم می کند، تشریح دلنشین، عمیق و روان از یک ماجراست و هنگامی که این تصویر آمیخته با اعتقاد، ایمان و واگویی دغدغه های جامعه اسلامی و حتی جوامع بشری باشد، به ماندگاری اثرش بیشتر کمک می کند.

لذا هنر و هنرمند اسلامی باید روح «اجتماعی بودن» را به طور کامل در خود حفظ کرده و از مرحله فردیت و انتزاعیات گام بیرون نهاده و چیزی جز اجتماع و عینیت زندگی مردم نبیند؛ از این رو هر هنرمندی باید خود را در برابر همه افراد اجتماع مسؤول ببیند، در موقع لزوم با انتقاد سازنده و ارائه راهکار در ساختن اجتماع خود از هر نظر سهیم باشند چرا که در زندگی دسته جمعی خوشبختی و بدبختی افراد

اجتماع به هم پیوسته است و نمی توانند در برابر رفتار یکدیگر بی تفاوت بمانند

### هویت شیعی؛ مبنای معرفتی هنر انقلاب اسلامی

در انقلاب اسلامی ایران به خوبی مشاهده کردیم که اعتقادات اسلامی در ساحت مذهب حقه تشیع چگونه توانست بر نیرومندترین اسلحه زمان و قوی ترین ارتشها و قدرتهای استعماری پیروز گردد، و این نشان می دهد کار برد عقائد دینی تا چه حد در مسائل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زیاد است.

خوشبختانه در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی این وضع به مقدار قابل ملاحظه ای تغییر یافته، و آثار هنری فاخر انتشار یافته که ماهیت مذهب شیعه را آنچنان که هست تا اندازه ای روشن می سازد.

بنابراین در حوزه های هنری مانند فیلم، کتاب، تئاتر و دیگر رشته ها باید روح تعلیم و تربیت

اسلام اصیل بر آثار حاکم باشد. اگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رسالت تعلیم و تربیت خود را درست انجام دهد. سایر ارگان ها و دستگاه های کشور نیز فعالیت خود را بهتر انجام داده و مردم به هویت واقعی خود نزدیک می شوند.

اهمیت محتوای آثار تولید شده فرهنگی هنری آنچنان بالاست که نظارت جدی از وزارت ارشاد اسلامی غیر قابل انکار است؛ هر چند دشمن از قدرت رسانه ای و ماهواره ای برخوردار است، اما ما نباید در مقابل او منفعل و اثرپذیر باشیم، چون دارای فرهنگ غنی و قوی اسلامی و شیعی هستیم. لذا متولیان عرصه هنر باید با نظارت دقیق بر آثار هنری، از ارائه اثر نامناسب، سبک و دور از شأن اهل بیت علیهم السلام جلوگیری

کنند و از فعالیت های هنری که موجب وهن شیعه در جهان است و بهانه به دست دشمن می دهد ممانعت به عمل آورند.

### سخن آخر: (غربزدگی خطر جدی برای کارهای هنری است)

در خاتمه باید گفت غربزدگی برای کارهای هنری خطر ایجاد می کند و متأسفانه به قدری این هجوم زیاد شده که حتی قویترین افراد را ممکن است تحت تاثیر قرار دهد. لذا در برخی از آثار هنری مسائلی تبلیغ می شود که به عقیده ما پوچ است و نباید استدلال فرهنگی اسلام را رها کنیم و چشم و گوش بسته دنبال غربیها راه برویم.

البته اسلام برای رسیدن به اهداف مقدس که همان اعتقاد، اخلاق و برنامه های علمی است از هر ابزار مؤثر و مشروعی از جمله هنر استفاده می کند لیکن باید هنر را در مسیر سالم

هدایت کرد. در شرایط کنونی متأسفانه بسیاری از مسائل هنری در قبضه گروهی ناسالم قرار گرفته است. این امر ذهنیت منفی در برخی از افراد جامعه ایجاد کرده است که خنثی کردن آن زمان می برد.

از سوی دیگر دشمنان نظام نیز درست فهمیده اند که اگر نسل جوان را از ما بگیرد هنر اسلامی و انقلابی را از ما خواهند گرفت. در این میان اگر بنا است برنامه هایی برای شادی جوانان اجرا شود، می توان با هماهنگی خبرنگاران از حوزه و دانشگاه برنامه هایی خالی از هرگونه مسائل خلاف شرع و هماهنگ با فرهنگ اسلامی تنظیم کرد، نه اینکه چشم و گوش بسته دنبال فرهنگ های غربی افتاد.



## ضرورت و اهمیت بومی سازی شبکه های اجتماعی

### از منظر معظم له

در عصری به سر می بریم که فضاهای مجازی روبه روز گسترده تر می شود، فضایی که به مانند شمشیر دو لبه است. حال در این زمینه دو نوع برخورد می توان داشت؛ نخست اینکه برخورد سلبی داشته باشیم که دشمنان نتوانند از آن استفاده کنند؛ راه دیگر آن است که با برنامه ریزی صحیح و اصولی از فضای مجازی به بهترین شکل ممکن تهدیدات فضای مجازی را به فرصت تبدیل کنیم لیکن تحقق این مهم در گرو ارائه شبکه های اجتماعی داخلی به جای شبکه های خارجی است تا همگان متوجه این فضا شوند و از شبکه های غیر مطمئن خارج شوند.

بومی جدا شدند و شبکه های داخلی را برای خود ایجاد کردند. البته خوشبختانه به تازگی خبرهای خوبی برای سامان دادن و مدیریت صحیح فضای مجازی به گوش می رسد که در جای خود ستودنی است. امیدواریم تبیین ضرورت بهره گیری از پیام رسان های داخلی به نوبه خود مقدمه ای برای حل این معضل که مهمترین معضل سیاسی و اجتماعی و اخلاقی و دینی امروز است باشد.

ایجاد شبکه های اجتماعی داخلی؛ راهکار بنیادین در مقابله با نظام سلطه و استکبار بدیهی است فضاهای مجازی خارجی به قصد کمک به ملتها و بشریت راه اندازی نشده اند و قصد سلطه بر جهان و به بردگی کشیدن ملتها را در سر دارند. لذا باید خود و مردم را به این نکته توجه دهیم که فضاهای مجازی خارجی به قصد قربت، حمایت بشریت و کمک به مردم دنیا تاسیس نشده است. این موضوع مانند سایر کارهای غربی در راستای حفظ منافع خودشان و دامی برای مردم است تا بتوانند حاکمیت خود را بر دنیا تثبیت کنند.

لذا تمام فعالیت های غرب و استکبار برای حفظ برتری بر دنیا است؛ قبلا استعمار به شکل بدون روتوش بود اما در حال حاضر استعمارهای فرهنگی و اقتصادی را در دستور کار دارند.

از این جهت اگر توجه لازم صورت نگیرد فضای مجازی در آینده تبدیل به بلا می شود و جامعه را به بردگی می کشاند، به ویژه که بسیاری از شبکه های اجتماعی وابسته به رژیم

صهیونیستی و سرویس های جاسوسی غرب و آمریکا هستند.

لذا شاهدیم ابزار جنگ روانی قدرت های غربی به ویژه در فضای مجازی به شدت فعال است، و هر روز درباره اشخاص و نهادها دروغ می گویند؛ روزی نیست که انسان دروغی نشود و با این کار می خواهند ایجاد بدبینی بین افراد کنند. هم چنین ابزار جنگ روانی سیاه نمایی کردن است که کشور را مانند یک ویرانه معرفی می کنند، از سوی دیگر تبلیغات دشمن، در خصوص اسلام هراسی و شیعه هراسی در فضای مجازی غیر قابل انکار است.

حال اگر مردم ماهیت غرب را بدانند از آن ها متنفر خواهند شد، در این بینتسهیل دسترسی مردم به پیام رسان های داخلی و نیز سخت گیری بر شبکه های اجتماعی خارجی جامعه را ترغیب خواهد کرد تا به سمت پیام رسان داخلی بروند؛ هم چنین تبیین هویت و نیت پلید قدرت های استکباری از راه اندازی پیام رسان خارجی نیز مردم را از آنان متنفر خواهد کرد.

### صیانت از امنیت ملی در سایه اهتمام به تقویت پیام رسان های داخلی

بدیهی است عدم اهتمام مسئولان به راه اندازی پیام رسان های داخلی؛ امنیت ملی را به شدت خدشه دار خواهد کرد.

در تبیین این مساله باید به اغتشاشات اخیر اشاره کرد که بدخواهان نظام اسلامی از طریق فضای مجازی برخی کارها را مدیریت کردند. مدارک و شواهد متقن نیز نشان می دهد سیاست مداران آمریکایی در ناآرامی های اخیر ایران، با استفاده از فضای مجازی اثر مهمی

داشته اند؛ در این بین دشمنان در فضای مجازی پیام می فرستادند و مردم را تحریک می کردند و به آنان آموزش می دادند چگونه ناآرامی ایجاد کنند؛ حال آنکه این بزرگترین تهدیدی است که توسط فضای مجازی ایجاد می شود.

همگان شاهد بودیم که در اغتشاشات دی ماه ۹۶، معجونی از ضد انقلاب، منافقان و افراد فریب خورده ابتکار عمل را از دست تظاهرکنندگان گرفتند و به ویرانگری و اهانت به مقدسات پرداختند، شیاطین خارجی نیز از فضای مجازی به صورت کامل استفاده کرده و اغتشاش توأم با ویرانگری و اهانت را در مناطق مختلف کشور تعلیم می دادند.

این چالش در حالی است که قدرت های خارجی اجماع پیدا کرده اند در اینکه نقش فضای مجازی و تلگرام در اغتشاشات اخیر مهم و اثر گذار بوده است و در داخل کشور نیز این اجماع حاصل شده است؛ لیکن متاسفانه هنوز عده ای از مسئولین کشور در مقابل این امر مقاومت می کنند. بعضی از مسئولین هنوز متوجه نیستند که این فضای مجازی همانند ماری است در آستین؛ لذا تکیه کردن به قول و تعهد خارجی ها نیز قابل قبول نیست؛ چرا که مگر در سایر موارد از جمله بگرام به قول و تعهد خودشان عمل کردند؟

لذا تأسف بار است که تمام اختیارات فضای مجازی فعلی در دست آمریکا و صهیونیست هاست و به همه اجازه دادند که به آن وارد شوند اما به صورت یک نوکر بی اختیار؛ اما به راستی آیا در شأن یک ملت پرافتخار هست که نوکر بی اختیار آن ها باشد؟ از این جهت خطاب به مسئولان مرتبط با فضای مجازی می گوئیم، اگر یک بار دیگر، این فضای مجازی غیر بومی سبب اغتشاش شود مردم شما را نخواهند بخشید.

بالاخره باید بدانیم اگر فضای مجازی اصلاح نشود، مشکل حل نخواهد شد.

بلکه خطای استراتژیک بهره گیری از شبکه های اجتماعی خارجی در عرصه سیاسی و امنیتی با کوچکترین مساله، باعث فراگیر شدن بحران و بهره برداری دشمنان در خارج از کشور می شوند.

آری بومی سازی شبکه های اجتماعی تنها راهکار برون رفت از این نابسامانی هاست، بی شک اگر این فضا به نفع پیام رسان های داخلی مدیریت نشود باز هم می توانند این کارهای شوم را علیه امنیت ملی ایران انجام دهند.

### سالم سازی شبکه های اجتماعی در پرتو ایجاد پیام رسان های بومی

بی تردید ما مخالف فضای مجازی نیستیم بلکه می گوئیم بیاییم فضای سالم ایجاد کنیم و این امکانپذیر است..

در تشریح این امر باید گفت متاسفانه در این فضا دروغ و تهمت شایع است و فساد وجود دارد همچنین هتک حرمت افراد که به سبب فضای مجازی این آفت شیوع پیدا کرده است و همه باید متوجه باشند که بازی کردن با آبروی مردم همانند بازی کردن با خون مردم است.

از سوی دیگر شایعه سازی، مردم آزاری دیگری است که بیشتر توسط رسانه های خارجی برای کشور ما ایجاد می شود؛ آنان حوادث کوچک را بزرگ و دروغ پردازی می کنند؛ حال کسانی که در کشور هستند نباید به این شایعه ها توجه و آن را منتشر کنند.

هم چنین امروزه هجمه علیه دین اسلام و به ویژه مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در فضای مجازی بسیار زیاد شده است و دشمنان و بدخواهان دین گاهی با ساخت فیلم ها، گاهی با انواع جسارت ها و توهین ها و گاهی با شبهه افکنی و برخی اوقات نیز با فحاشی در فضای مجازی و سایت ها به مقدسات اهانت و علیه دین و مکتب ما فعالیت می کنند.

بدین ترتیب فضای مجازی همه را درگیر کرده است، در این فضا هر کس هرچه

دلش می خواهد می گوید و قید و بندی ندارد و بارها با وجود تکذیب کردن دروغ می گویند، و یا بسیاری از طلاق ها که از فضای مجازی سرچشمه می گیرد؛ یکی از مسئولین برنامه های مرتبط به جوانان و نوجوانان، از بلوغ زودرس پسران و دختران در ۱۰ یا ۱۱ سالگی خبر داد که محصول همین فضای مجازی است.

گفتنی است زن و مردی که در این شبکه های اجتماعی حضور داشته و هر کدام به راه خطایی رفته و آلوده شده اند، دیگر نمی توانند زندگی مشترک خود را ادامه دهند. لذا تزلزل بنیان خانواده ها در فضای مجازی به شدت شایع است البته بنده نمی خواهم پرده برداری و از این صریح تر در این رسانه عمومی عرض کنم، اما مسائلی پیش می آید که دیگر زن و شوهر یکدیگر را قبول ندارند و طلاق توافقی می گیرند لذا فضای مجازی چالش بزرگ برای خانواده ها شده است.

با این تفاسیر اگر فضای مجازی اصلاح شود و شبکه های اجتماعی غیر بومی جای خود را به پیام رسان های داخلی بدهند کل جامعه اصلاح خواهد شد.

از این رو امروز و فردا باید به فکر فضای مجازی سالم داخلی باشیم، افرادی که در این زمینه تخصص دارند می گویند این امکان در کشور وجود دارد.

بر این اساس یکی از کارهای اصلی دولت سالم سازی شبکه های اجتماعی از طریق بومی سازی پیام رسان هاست که می تواند به ایجاد یک فضای مجازی سالم که نیازهای مردم را برطرف می کند منجر شود و این کار نشدنی نیست.

### حمایت فراگیر از شبکه های اجتماعی داخلی؛ ضامن استقلال کشور

دفاع از موجودیت و استقلال و امنیت یک کشور وظیفه همه افراد آن کشور است لذا مسلمانان باید درصدد استقلال نظام اسلامی بکوشند.

در این میان اگر موضوع شبکه های



اجتماعی حل شود استقلال کشور کامل خواهد شد، مادامی که این موضوع حل نشود استقلال ما جریحه دار است چراکه دیگران از این طریق سوء استفاده‌های خود را انجام می‌دهند.

بنابراین باید رسانه مستقل و قوی داشته باشیم و در این مسیر از اندیشمندان نظر خواهی شود، باید همایشی برگزار شود تا اندیشمندان و متفکران نظر دهند و مسأله حمایت فراگیر از شبکه‌های اجتماعی داخلی به صورت جدی پیگیری شود، اگر این مسأله ضرورت اجتماعی دانسته شود کارها بهتر و بیشتر پیگیری خواهد شد. امیدواریم همه دست به دست هم دهند و با توکل بر خدا استقلال کشور را در فضای مجازی به منصه ظهور رسانند.

### شبکه‌های اجتماعی تاثیرگذار راه اندازی شود

کاش می توانستیم شبکه‌های اجتماعی خوب، سازنده و پویایی را بوجود بیاوریم که جوانان و فرزندان جامعه جذب آنها شوند. در این بین مسئولان باید تا جایی که توان دارند فکری به حال سم پاشی‌های شبکه‌های مجازی فاسد و آلوده کنند.

امیدواریم با همت معلمان مدارس، اساتید دانشگاه و رسانه‌های با هدف بتوانیم با راه اندازی شبکه‌های اجتماعی بومی، جلوی مفسد شبکه‌های اجتماعی را بگیریم.

### راه اندازی پیام رسان های داخلی؛ زمینه ساز ترویج فرهنگ اسلامی

گفتنی است فضای مجازی هم می تواند سازندگی داشته باشد و هم تخریب، اما با توجه به این که بنیان اصلی این فضا هدف شان تخریب فرهنگی است، کار ما مشکل و پیچیده است و تلاش بیشتری را می طلبد.

لذا امروزه ابزار گسترش فساد و ناهنجاری های اخلاقی بسیار گسترش یافته است و فضای مجازی نیز در این بین کاربرد

خاصی دارد، لیکن ما باید با ایجاد و تقویت پیام رسان های بومی، فضای مجازی را به سمت و سوی تعلیم و تربیت صحیح هدایت کرده و در این راستا از راهنمایی ها و هدایت حوزویان و کارشناسان تعلیم و تربیت بهره گیریم.

بر این اساس باید در مقابل این موج و سیلاب عظیم ایستادگی کرد، و برای تحقق این مهم یک گروه کارشناسی قوی تشکیل داد تا بتوان این تهدید را به فرصت تبدیل نمود.

به عنوان نمونه فضای مجازی فرصت طلایی در انتقال مفاهیم دینی استحال اگر می خواهیم کتب دینی و مذهبی از مهجوریت بیرون بیاید باید برای ترویج آن در بستر فضای مجازی بوی بیشتر تلاش کرد. به ویژه آنکه امروزه شبهات و جهل نسبت به اهل بیت(علیهم السلام) به ویژه در فضای مجازی بیداد می کند که همه این ها پاسخ های روشن با ادبیات روز را می طلبد.

از این جهت طلاب باید به مسائل روز و نیازهای زمان و پاسخ به شبهات اعتقادی که از سوی مغرضان در فضاهای مجازی القاء می شود آشنا شوند. بی شک اگر کار فرهنگی حسابی شود در وضع جامعه بسیار اثرگذار خواهد بود، زیرا کار فرهنگی قوی در حوزه فضای مجازی بسیار اثرگذار است.

با این تفاسیر می توان دریافت مسائل فرهنگی آن هم در فضای مجازی راه اصلاح دارد و بن بست نیست که بگوییم آب از سر گذشته و نمی شود کاری کرد، البته دولت متأسفانه برای مسائل فرهنگی شبکه‌های اجتماعی بومی بودجه های لازم را نمی گذارد در حالی که گاهی یک ریال یا یک دلار اینجا بگذارند جلوی هزاران دلار جای دیگر را می گیرد.

پهنای باند اینترنت برای استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی افزایش یابد

متأسفانه مفسد در فضای مجازی غوغا می کند، شبهات دینی، توهین به تمام مقدسات به بدترین شکل و انحرافات جنسی در این فضا وجود دارد، حال آنکه درمان درد فضای مجازی راه اندازی شبکه ملی اطلاعات و تقویت پیام رسان های داخلی است، لذا پهنه وسیعی که به تلگرام و اینستاگرام می دهند را باید گرفت و در اختیار شبکه‌های ایرانی قرار داد، باید این امکانات در اختیار شرکت های داخلی قرار گیرد.

حال بر فرض این که تمام موبایل هاو فضای مجازی را کامل کنترل کنند و پلیس فتا فتح الفتوح کند باز هم مشکلات وجود دارد و تمام نمی شود، بلکه باید بتوانیم یک شبکه ملی قوی جوابگوی نیازهای مشروع افراد در اختیار جامعه قرار دهیم.

متأسفانه هنوز دولت برای این مسأله آنچنان که باید و شاید دل نمی سوزاند، و باید بیش از این تلاش کرد، البته دولت اگر متوجه شود که این مسأله چه تأثیری دارد آرام آرام به میدان می آید اما هنوز دلسوزی کاملی که انتظار می رود مشاهده نشده است، در صورتی که باید فضاها و شبکه‌های اجتماعی داخلی تقویت گردد تا خلأهایی را پر کند، باید کارها را با تدبیر پیش برد و به نتیجه رساند.

لذا توصیه اینجانب به مسئولانی که با مسائل رسانه ای در ارتباط هستند این است که سعی کنند رسانه هایی را در اختیار مردم بگذارند که بدآموز نباشد؛ وزیر ارتباطات نباید به حرف هرکسی گوش کند و بگوید ما پهنای اینترنت را وسیع و به وسیله آن علم و دانش را گسترش دادیم، او باید با سازمان عالی مجازی ارتباط برقرار و بررسی کند که آیا گسترش بی حساب و کتاب رسانه ها به نفع کشور و جوانان است یا به ضرر آن ها.

ضررت دسترسی آسان به پیام رسان های داخلی در سایه اجتناب از موازی کاری

شکی نیست که با کار منسجم، متمرکز و با برنامه در شبکه‌های

اجتماعی بومی می توان موفق عمل کرد لذا به جای این که تعداد شبکه‌ها بی دلیل افزایش پیدا کند باید امکانات و نیروها را مثلاً در دو شبکه متمرکز کرد تا فعالیت‌ها تقویت شده و رقابت هم وجود داشته باشد.

از این رو دسترسی به شبکه‌های اجتماعی داخلی باید آسان، ارزان و سریع باشد، و تنها این که بگوییم شبکه‌های اجتماعی ایرانی باید استفاده شود فایده ندارد، مردم باید عملاً ببینند که حضور در این شبکه‌ها آسان، ارزان و سریع است.

### سخن آخر: ( ضرورت فرهنگ‌سازی برای جذب کاربران به سوی پیام‌رسان های بومی)

در خاتمه باید گفت ما مخالف گسترش علم و دانش و ابزارهای رسانه ای نیستیم اما باید توجه داشت که بخشی از این رسانه ها ابزاری خطرناک و ابزار گناه هستند؛ در واقع هیچ زمان به اندازه امروز گناه گسترش نداشته است چرا که امروز ابزارهای گناه وسعت یافته اند.

از سوی دیگر حل مشکلات شبکه‌های اجتماعی تنها بر عهده وزارت ارتباطات نیست بلکه همه وظیفه دارند، همه از جمله حوزه‌های علمیه و مراجع نیز باید کمک، تبلیغ و فرهنگ سازی کنند. این که برخی دستگاه ها با وزارت ارتباطات همکاری نمی کنند برای این است که ضرورت آن را نمی دانند، باید فرهنگ سازی کرد تا ضرورت کار را متوجه شوند.

البته کسانی که در عرصه های فضای مجازی فعالیت مثبت دارند، قطعاً ذخیره یوم المعاد خویش را تجمیع می کنند؛ متأسفانه شورای فضای مجازی چندان دلسوزانه در این عرصه کار نمی کند، امیدواریم که در این عرصه کار جدی تری انجام دهند.



## فلسفه انتظار

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

**چکیده:** علاقه انسان به پیشرفت و تکامل، به دانایی و زیبایی و به نیکی و عدالت، علاقه ای است اصیل، همیشگی و جاودانی، و انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهانی آخرین نقطه اوج این علاقه است. امید و انتظار صلح و عدالت جهانی در پرتو قیام یک مرد انقلابی، با برنامه ها و بینش های انقلابی، چیزی است که در متن تعلیمات پیامبر اسلام قرار داشته است. کلمات کلیدی: انتظار، عدالت، ظلم، انسانها، فساد، خود سازی، زندگی بهتر، مصلح، ادیان

به یک اثبات کنیم، چه این که، اینها موضوع بحث های جداگانه ای هستند که در نظر است به خواست خدا مستقلاً تدوین گردد. بلکه هدف اصلی این است که اثرات و پی آمدهای چنین ظهوری را بررسی کنیم و «منتظران راستین» را از «منتظران دروغین» بازشناسیم، و ببینیم این انتظار که در روایات اسلامی به عنوان یکی از بزرگترین عبادات شمرده شده چه فلسفه ای می تواند داشته باشد؟

### داوری های حساب نشده

همه مسلمانان بدون استثناء \_ در انتظار ظهور مصلحی بزرگ به سر می برند، این مصلح بزرگ دارای این ویژگیها است:

- ۱- جهان انسانیت را به سوی صلح و عدالت رهبری می کند و بساط ظلم و فساد و خونریزی را بر می چیند.
- ۲- مساوات و برادری را در میان عموم ملت ها و نژادها تعمیم می دهد.
- ۳- نور ایمان و اخلاق و صمیمیت و محبت را در همه جا می پاشد.
- ۴- یک جهش بزرگ علمی و فرهنگی برپا می سازد.
- ۵- دنیای انسانی را وارد مرحله نوینی از حیات خود می کند.

۶- به هرگونه اسارت و بردگی و استثمار پایان می دهد.

۷- نام او مهدی است و از فرزندان پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) می باشد.

هدف از بحثی که در این رساله می خوانید این نیست که مسائل فوق را یک و با این که جمعی از جامعه شناسان

در انتظار ظهور و بازگشت «مسیح» به سر می برند.(۱)

نمی دانیم «مارگلی یوت» چه کتاب هایی از منابع اسلامی را در این زمینه دیده و چگونه در تفسیر آنها چیزی که او را قانع کند نیافته است، در حالی که در مهمترین منابع «شیعه» و «اهل تسنن» درباره این ظهور احادیث صریحی وجود دارد، و این احادیث در سرحد تواتر است.

چگونه همه دانشمندان و محققان اسلامی تقریباً بدون استثنا (جز افراد بسیار نادری همچون ابن خلدون که در مقدمه تاریخ خود در احادیث مهدی تردید کرده) گفتگویی در صدور این احادیث از پیامبر(صلی الله علیه وآله) ندارد و تنها گفتگوها پیرامون شاخ و برگ ها و مسائل فرعی آن است، ولی تنها «مارگلی» نتوانسته قانع شود؟ این سؤال است که خود او باید پاسخ آن را بدهد.

در این میان عده دیگری می گویند ما کار به عمل و انگیزه های این انتظار عمومی نداریم، ما پی آمدهای آن را می نگریم که سبب تحمل دردها و شکیبایی در برابر نابسامانی ها و تن در دادن به مظالم و ستم ها، و فرار از زیر بار مسئولیت هاست.

ما به این می نگریم که این انتظار، توده های رنج دیده را در یک عالم رؤیایی فرو می برد و از آنچه در اطراف آنها می گذرد غافل می سازد، و آنها را به تنبلی و فرار از تعهدهای اجتماعی تشویق می کند.

و به عبارت دیگر از نظر فردی عاملی است برای رکود و توقف و از نظر اجتماعی وسیله ای است برای خاموش ساختن جنبش های ضد استعماری و به هر صورت اثر منفی آن آشکار است.

### تحقیق و بررسی

ولی به عقیده ما یک پژوهشگر آگاه که نمی خواهد از دور قضاوت کند، بلکه خود را موظف می بیند که از نزدیک همه مسائل مربوط به «انگیزه ها» و «نتیجه

ها» را بنگرد، نمی تواند تنها به این داوری های حساب نشده قانع شود.

اکنون اجازه دهید بی طرفانه انگیزه های انتظار و نتایج و پی آمدهای آن را یک به یک مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم عامل پیدایش آن، شکستهاست و یا یک سلسله واقعیت های فطری و عقلانی است و نتایج آن سازنده و مثبت است یا منفی و نامطلوب؟

### انتظار در اعماق سرشت آدمی

برخلاف گفته های کسانی که فکر می کنند بذر اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ را شکست ها و ناکامی ها و نابسامانی ها در سطح افکار می پاشد، عشق به این موضوع مربوط به اعماق وجود آدمی است، گاهی به گونه پرننگ، و گاهی کم رنگ.

به تعبیر دیگر: انسان از دو راه عاطفه، و خرد، سرانجام در برابر چنین مسأله ای قرار می گیرد و سرورش این ظهور را با دو زبان «فطرت» و «عقل» می شنود.

### و به عبارت روشن تر :

ایمان به ظهور مصلح جهانی جزئی از «عشق به آگاهی»، «عشق به زیبایی» و «عشق به نیکی» (سه بعد از ابعاد چهارگانه روح انسان) است که بدون چنان ظهوری این عشق ها به ناکامی می گراید و به شکست محکوم می شود.

شاید این سخن نیاز به توضیح بیشتری داشته باشد و آن این که :

می دانیم «عشق به تکامل» شعله جاویدانی است که سراسر وجود انسان را در بر گرفته، او می خواهد بیشتر بداند، بیشتر از زیبایی ها ببیند، بیشتر از نیکی ها بهره ببرد و خلاصه آنچه مایه پیشرفت و برتری می داند بیشتر فراهم سازد.

هیچ گاه پیدایش این انگیزه ها را نمی توان با عوامل اجتماعی، روانی، وراثت و تربیت پیوند داد، گرچه این عوامل در تضعیف یا دامن زدن به آنها سهم مهمی دارند، ولی اصل وجود آنها، جزء بافت

روان انسانهاست و جزء ابعاد اصلی روح او، بدلیل این که هیچ جامعه و هیچ ملتی هرگز از این انگیزه ها تهی نبوده است.

خلاصه، علاقه انسان به پیشرفت و تکامل، به دانایی و زیبایی و به نیکی و عدالت، علاقه ای است اصیل، همیشگی و جاودانی، و انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهانی آخرین نقطه اوج این علاقه است (دقت کنید).

چگونه ممکن است عشق به تکامل همه جانبه، در درون جان انسان باشد و چنان انتظاری نداشته باشد؟ مگر پیاده شدن تکامل جامعه انسانی بدون آن امکان پذیر است؟

بنابراین حق کسانی که در زندگی گرفتار شکست و بحرانی نبوده اند این است که چنین احساسی را در درون جان خود دارند... این از یک سو.

از سوی دیگر همانطور که اعضای پیکر انسان به تکامل و به پیشرفت وجود او کمک می کند و عضوی در بدن نمی یابیم که مطلقاً نقشی در این حرکت تکاملی نداشته باشد، خصایص روانی انسان نیز چنین اند یعنی هر کدام نقش مؤثری در پیشرفت هدف های اصیل او دارند.

مثلاً «ترس از عوامل خطرناک» که در هر انسانی وجود دارد، سپری است برای حفظ او در برابر خطر.

«خشم» به هنگامی که انسان منافع خود را در معرض تهدید می بیند وسیله ای است برای افزایش قدرت دفاعی و بسیج تمام نیروهای ذخیره جسمی و روحی برای نجات منافعش از خطر، بنابراین عشق به تکامل، عشق به صلح و عدالت، نیز وسیله ای است برای رسیدن به این هدف بزرگ و به منزله موتور نیرومندی است که چرخ های وجود انسان را در این راه به حرکت دائمی وا می دارد، و او را برای رسیدن به جهانی مملو از صلح و عدالت کمک می کند.



از سوی دیگر احساسات و دستگاه هایی که در جسم و جان وجود دارد نمی تواند هماهنگ با مجموعه عالم هستی نباشد، زیرا همه جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است، و وجود ما نمی تواند از بقیه جهان جدا باشد.

از این بهم پیوستگی به خوبی می توانیم نتیجه گیری کنیم که هر عشق و علاقه اصیلی در وجود ما هست دلیل بر آن است که «معشوق» و «هدف» آن نیز در جهان وجود دارد و این عشق وسیله ای است که ما را به او نزدیک می سازد.

یعنی اگر تشنه می شویم و عشق به آب داریم دلیل بر آن است که «آبی» وجود دارد که دستگاه آفرینش تشنگی آن را در وجود ما قرار داده است.

اگر علاقه ای به جنس مخالف داریم دلیل بر وجود جنسی مخالف در بیرون ماست. و اگر عشق به زیبایی و دانایی داریم دلیل بر این است که زیبایی ها و دانایی هایی در جهان هستی وجود دارد.

و از این جا به آسانی نتیجه می گیریم که اگر انسان ها انتظار مصلح بزرگی را می کشند که جهان را پر از صلح و عدالت و نیکی و داد کند دلیل بر آن است که چنان نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی امکان پذیر و عملی است که عشق و انتظارش در درون جان ماست.

عمومیت این اعتقاد در همه مذاهب نیز نشانه دیگری بر اصالت و واقعیت آن است زیرا چیزی که زائیده شرایط خاص و محدودی است نمی تواند این چنین عمومی باشد، تنها مسائل فطری هستند که از چنین عمومیتی برخوردارند، و اینها همه نشانه آن است که از زبان عواطف و سرشت آدمی این نغمه در جان او سر داده شده که سرانجام مصلحی بزرگ، جهان را زیر پرچم صلح و عدالت قرار خواهد داد.

### ظهور مصلح بزرگ در منابع اسلامی

گواهی فشرده و جامعی پیرامون اخبار

مهدی وسیله تندروترین گروه های اسلامی.

گفتیم که مسأله انتظار ظهور یک حکومت بزرگ جهانی که صلح و امنیت و آرامش و عدالت و پاکی را در همه دنیا گسترش دهد عکس العمل سخت اجتماعی و ناکامی ها نیست، بلکه ریشه عمیقی در اصیل ترین ابعاد روح انسانی دارد و به تعبیر دیگر این انتظار از درون فطرت و روان آدمی می جوشد و از ذات انسان سرچشمه می گیرد، و دلیل خود را در این زمینه بازگو کردیم.

اکنون موقع بررسی این مسأله است که آیا اعتقاد به چنین ظهوری یک فکر وارداتی است که از عقاید اقوام دیگر مایه گرفته و به محیط های اسلامی نفوذ کرده است، یا یک واقعیت تاریخی است که همانند سایر تعلیمات اصیل اسلامی از شخص پیامبر(صلی الله علیه وآله) گرفته شده است.

آیا پاسخ این سؤال را باید از مستشرقانی که به اصطلاح اگر بخواهیم اعمالشان را حمل بر صحت کنیم و آنها را متعصب و مغرض ندانیم لاقلاً باید بگوییم اطلاعات آنها در زمینه مسائل اسلامی (غالباً) بسیار سطحی و نارساست، بشنویم؟

بدبختی این جاست که پیروان یک مکتب برای شناخت مکتب خود دست به دامان کارشناسان خارجی شوند، و آنچه خود دارند از بیگانه تمنا کنند و از گم شدگان لب دریا سراغ گوهرهایی را گیرند که صدفش از دسترس آنها بیرون است.

به کمک طلبیدن «گیورگیو» دانشمند اروپایی برای از نو شناختن پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) و جرج جرداق مسیحی لبنانی برای شناخت مکتب انسان ساز علی(علیه السلام)، و سلیمان کتانی مسیحی برای شناسایی بانوی نمونه اسلام فاطمه زهرا(علیها السلام) دخت گرامی پیامبر(صلی الله علیه وآله)، مانند استمداد از «مارگلی یوت» برای فهم مسائل مربوط به «مهدی»(علیه

السلام) همه یک نوع انحراف از مسیر صحیح تحقیق، و زمینه چینی و کوشش برای «اسلام وارداتی» است.

نمی گوییم باید آن قدر خشک بود که نقل قول مستشرقان را (حتی به منظور تأیید) کفر و ضلالت پنداشت، بلکه می گوییم نباید آن قدر غرب زده بود که اساس و پایه شناخت عقاید و تعلیمات اسلامی را برگفته های دگران گذارد.

اگر ما در مسائل مربوط به تکنولوژی از کارشناسان آنها - متأسفانه - کمک می گیریم دلیل این نیست که در شناخت آنچه مربوط به ما و مخصوص ماست نیز از آنها مدد بخواهیم.

به ویژه این که می بینیم اسلام شناسی آنها - مانند همه چیز دیگرشان که تنها با معیارهای مادی سنجیده

می شود - سر از یک «اسلام ماتریالیستی» بیرون خواهد آورد که ارزش اصول و فروع آن تنها در چهارچوب معیارهای مادی و زندگی اقتصادی و پیوندهای آب و نان اجتماعی دور خواهد زد، اسلامی مسخ شده و رنگ باخته و واژگونه، اسلامی تنها در خدمت آب و نان، چونان که مقلدین بی قید و شرط آنها نیز تبلیغ می کنند.

به هر حال مطالعه متون معروف اسلامی نشان می دهد که امید و انتظار صلح و عدالت جهانی در پرتو قیام یک مرد انقلابی، با برنامه ها و بینش های انقلابی، چیزی است که در متن تعلیمات پیامبر اسلام قرار داشته است.

روایات مربوط به قیام مهدی(علیه السلام) چنان است که هیچ محقق اسلامی، پیرو هر یک از گروه ها و مذاهب اسلامی باشد نمی تواند «تواتر» آن را انکار کند.

تاکنون کتاب های زیادی از طرف دانشمندان شیعه و اهل تسنن در این زمینه نوشته شده و نویسندگان آنها به اتفاق صحت احادیث مربوط به مصلح جهانی یعنی «مهدی» را پذیرفته اند، تنها افراد بسیار معدودی مانند «ابن

خلدون» و «احمد امین مصری» در صدور این اخبار از پیامبر(صلی الله علیه وآله) تردید کرده اند، و قرائنی در دست داریم که انگیزه آنها در این کار ضعف اخبار نبوده بلکه فکر می کردند روایات مربوط به «مهدی» مشتمل بر مسائلی است که به سادگی نمی توان آنها را باور کرد، یا به خاطر این که احادیث درست از نادرست را نتوانسته اند جدا کنند یا تفسیر احادیث را به درستی در نیافته اند.

در هر صورت لازم است قبل از هر چیز سؤال و جوابی را که اخیراً از طرف «رابطه العالم الاسلامی» که زیر نفوذ افراطی ترین جناح های اسلامی (یعنی وهابیان) قرار دارد، نشر یافته، از نظر خوانندگان عزیز بگذرانیم تا روشن شود مسأله انتظار یک مصلح بزرگ در میان مسلمانان قولی است که جملگی بر آنند و به عقیده ما مدارک لازم در این رساله کوتاه آنچنان جمع آوری شده که هیچ کس را یارای آن نیست و اگر وهابیان سخت گیر در برابر آن تسلیم شده اند نیز به همین دلیل است (ما نخست ترجمه قسمت حساس این رساله را نقل کرده، سپس تمام متن عربی آن را برای آنها که می خواهند مطالعه بیشتری کنند، می آوریم).

مدارک زنده بر ظهور مهدی(علیه السلام) در حدود یک سال قبل شخصی به نام «ابومحمد» از «کنیا» سؤالی درباره ظهور «مهدی منتظر» از «رابطه العالم الاسلامی» که از متنفذترین مراکز مذهبی حجاز و مکه است، کرده است.

دبیر کل «رابطه» محمد صالح القزاز در پاسخی که برای او فرستاده است ضمن تصریح به این که «ابن تیمیه» مؤسس مذهب وهابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را پذیرفته، متن رساله کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز در این زمینه تهیه کرده اند، برای او ارسال داشته است.

در این رساله پس از ذکر نام حضرت «مهدی» و «محل ظهور او» یعنی مکه

چنین می خوانیم:

«... به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی) جهان را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم و ستم پرده شده است...»

او آخرین «خلفای راشدین دوازده گانه» است که پیامبر(صلی الله علیه وآله) خبر از آنها در کتب صحاح داده است.

احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه پیامبر(صلی الله علیه وآله) نقل کرده اند از جمله:

عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، طلحة بن عبیدالله، عبدالرحمان بن عوف، عبدالله بن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابوامامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمران بن حصین، و ام سلمه.

اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات مهدی را نقل کرده اند و غیر از آنها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند.

سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده که در آن بحث از ظهور مهدی شده که آنها را نیز می توان در ردیف روایات پیامبر(صلی الله علیه وآله) قرار داد، زیرا این مسأله، از مسائلی نیست که با اجتهاد بتوان چیزی پیرامون آن گفت (بنابراین آنها نیز مطلب را از پیامبر شنیده اند).

سپس اضافه می کند:

همه احادیث بالا که از پیامبر(صلی الله علیه وآله) نقل شده و هم شهادت و گواهی صحابه که در این جا در حکم حدیث است، در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر(صلی الله علیه وآله) اعم از «سنن» و «معاجم» و «مسانید» آمده است از جمله:

سنن ابوداود، سنن ترمذی، ابن ماجه، ابن عمرو الدانی، مسند احمد، و ابن یعلی، و بزاز، و صحیح حاکم ومعجم طبرانی

(کبیر و متوسط) و رویانی، و دار قطنی و ابونعیم در اخبارالمهدی، و خطیب در تاریخ بغداد، و ابن عساکر در تاریخ دمشق و غیر اینها.

بعد اضافه می کند:

بعضی از دانشمندان اسلامی در این زمینه کتاب های مخصوصی تألیف کرده اند از جمله:

ابونعیم در «اخبار المهدی»، ابن حجر هیثمی در «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر»، شوکانی در «التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»، ادريس عراقی مغربی در «المهدی»، ابوالعباس بن عبدالؤمن المغربی در کتاب «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون».

و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته مدیر دانشگاه آزاد اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

عده ای از بزرگان و دانشمندان اسلام از قدیم و جدید نیز در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث در زمینه مهدی در سرحد تواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست) از جمله:

السخاوی در کتاب «فتح المغیث»، محمد بن احمد السفاوینی در «شرح العقیده»، ابوالحسن الابری در «مناقب الشافعی»، ابن تیمیه در کتاب فتاوايش، سیوطی در «الحاوی»، ادريس عراقی در تألیفی که در زمینه «مهدی» دارد، شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر...»، محمد جعفر کنانی در «نظم المتناثر»، ابوالعباس بن عبدالؤمن در «الوهم المکنون» ...

در پایان بحث می گوید (تنها) ابن خلدون است که خواسته احادیث مربوط به مهدی را با حدیث بی اساس و مجعولی که می گوید «لامهدی الا عیسی؛ مهدی جز عیسی نیست» مورد ایراد قرار دهد، ولی بزرگان، پیشوایان و دانشمندان



اسلام گفتار او را رد کرده اند، بخصوص «ابن عبدالمؤمن» که در رد گفتار او کتاب ویژه ای نوشته است که از ۳۰ سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته.

حفاظ احادیث و دانشمندان بزرگ حدیث نیز تصریح کرده اند که احادیث مهدی مشتمل بر احادیث «صحيح» و «حسن» است و مجموع آن متواتر می باشد.

بنابراین اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمانی) واجب است و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت محسوب می شود و جز افراد نادان و بی خبر یا بدعت گزار آن را انکار نمی کنند.

مدیر اداره مجمع فقهی اسلامی

محمد منتظر کنانی

به عقیده ما بحث فوق آنچنان روشن است که نیاز به هیچ گونه توضیح اضافی ندارد با این حال آیا آنها که می گویند عقیده به ظهور مهدی یک فکر وارداتی است در اشتباه بزرگی نیستند؟

اینک متن اصلی نامه

در اینجا متن عربی نامه ای را که آقای از «کنیا» به «رابطه العالم الاسلامی» که یک مرکز رسمی اسلامی در «مکه» است درباره «مهدی منتظر» فرستاده و متن پاسخی را که رییس رابطه زیر نظر جمعی از علمای معروف حجاز تهیه و ارسال داشته است، از نظر خوانندگان محترم می گذرانیم.

و این همان است که ترجمه قسمت حساس آن را قبلاً بدون کم و کاست از نظر گذرانیدیم.

تنها نکته ای که یادآوری آن در این جا لازم است این می باشد که «تفاوت مهمی» که این نوشته با عقاید پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) دارد این است که آنها نام پدر حضرت مهدی (علیه السلام) را «عبدالله» ذکر کرده اند در حالی که در کتب شیعه نام پدر بزرگوارش به طور مسلم «الامام الحسن العسکری» است و سرچشمه این اختلاف آن است

که در بعضی از روایات اهل سنت جمله «اسم ابیه اسم ابی» (اسم پدرش اسم پدر من

است) آمده در حالی که قرائن نشان می دهد که این جمله در اصل «اسم ابیه اسم ابنی» (اسم پدرش اسم فرزند من است) بوده، و بر اثر اشتباه در نقطه گذاری به این صورت درآمد است (این احتمال را کنجی شافعی نیز در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» تأیید کرده است) و در هر حال آن جمله قابل اعتماد نیست زیرا:

۱- در اکثر روایات اهل سنت این جمله وجود ندارد.

۲- در روایت معروف ابن ابی لیلی می خوانیم «اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابنی» اسم پدرش اسم فرزند من است.

۳- روایات متواتر از طرق اهل بیت (علیهم السلام) گواهی می دهد که نام پدرش «حسن» است.

۴- در بعضی از روایات اهل سنت نیز تصریح شده که او فرزند امام حسن عسکری است.

(برای توضیح بیشتر در این زمینه به کتاب «منتخب الاثر» صفحات ۲۳۱ تا ۲۳۶ باب ۱۱ و کتاب نورالابصار مراجعه فرمایید).

رابطه العالم الاسلامی

الامانه العامه

الکرم ابومحمد - المحترم (کنیا)

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته - اشاره الی خطابکم (المورخ فی ۲۱ یوماً ۱۹۷۶ م المتضمن عن موعد ظهور المهدی و فی ای مکان یقیم؟

نفیدکم باننا نوفر لکم مع خطابنا الیکم ما جاء من الفتوی فی مساله المهدی المنتظر و قد قام بکتابته فضیله الشیخ محمد المنتصر الکنانی و اقرته اللجنه المکونه من اصحاب الفضیله الشیخ صالح بن عثیین و فضیله الشیخ احمد محمد

جمال و فضیله الشیخ احمد علی و فضیله الشیخ عبدالله خیاط.

و قد دعم الفتوی بما ورد من احادیث المهدی عن الرسول صلی الله علیه و سلم و ما ذکره ابن تیمیه فی المنهاج بصحة الاعتقاد و ابن القیم فی المنار و ان شاء الله تعالی ستجدون فی الکتابه مطلبکم و ما یغنیکم عن مساله المهدی انتم و من کان علی نهجکم آملین لکم التوفیق و السداد.

الامین العام

محمد صالح القزاز

بعد التحیه

جواباً عما یسأل عنه المسلم الکنینی فی شأن المهدی المنتظر عن موعد ظهوره و عن المكان الذی یظهر منه و عن ما یطمئنه عن المهدی (علیه السلام).

هو محمد بن عبدالله الحسنی العلوی الفاطمی المهدی الموعود المنتظر موعد خروجه فی آخر الزمان و هو من علامات الساعة الکبری یرج من المغرب و یرباع له فی الحجاز فی مکة المکرمة بین الرکن و المقام - بین باب الکعبه المشرفه و الحجر الاسود عند الملتزم و یظهر عند فساد الزمان و انتشار الکفر و ظلم الناس یملاً الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً یحکم العالم کله و تخضع له الرقاب بالاقناع تاره و الحرب اخری و سیملک الارض سبع سنین و ینزل عیسی علیه السلام من بعده فیقتل الدجال او ینزل معه فیساعده علی قتله باب لدب ارض فلسطين.

هو آخر الخلفاء الراشدين، الاثنی عشر الذین اخبر عنهم النبی، صلوات الله و سلامه علیه فی الصحاح، و احادیث المهدی وارده عن الكثير من الصحابه، یرفعونها الی رسول الله صلی الله علیه و سلم و منهم عثمان بن عفان، و علی بن ابی طالب، و طلحة بن عبیدالله، و عبدالرحمن بن عوف، و عبدالله بن عباس، و عمار بن یاسر، و عبدالله بن مسعود،

و ابو سعیدالخدري، و ثوبان، و قره بن ایاس المزنی، و عبدالله بن الحارث بن جز، و ابوهریره، و حذیفه بن الیمانی، و جابر بن عبدالله، و ابوامامه، و جابر بن ماجد الصدفی، و عبدالله بن عمر، و انس بن مالک، و عمران بن حصینی، و ام سلمه.

هولاء عشرون منهم، ممن وقفت علیهم، و غیرهم کثیر، و هناك آثار عن الصحابه، مصرحه بالمهدی، من اقوالهم، کثیره جدا، لها حکم الرفع، اذ لا محال للاجتهاد فیها.

احادیث هولاء الصحابه التي رفعوها الی النبی صلی الله علیه و سلم، والتي قالوها من اقوالهم اعتماداً علی ما قاله رسول الله صلوات الله و سلامه علیه رواها الكثير من دواوین الاسلام، و امهات الحدیث النبوی، من السنن، والمعاجم، و المسانید منها.

سنن ابی داود، و الترمذی، و ابن ماجه، و ابن عمروالدانی، و مسانید احمد، و ابن یعلی، و البزاز، و صحیح الحاکم، و معاجم الطبرانی الکبیر و الوسیط و الرویانی و الدار قطنی فی الافراد، و ابونعیم فی اخبار المهدی، و الخطیب فی تاریخ بغداد، و ابن عساکر فی تاریخ دمشق و غیرها.

و قد خص المهدی بالتألیف ابونعیم فی «اخبار المهدی» و ابن حجر الهیثمی فی «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» و الشوکانی فی «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح» و ادریس العراقی المغربی فی تألیفه «المهدی» و ابوالعباس بن عبدالمؤمن المغربی فی کتاب «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون».

و آخر من قرأت له عن المهدی، بحثاً مستفیضاً، مدیر الجامعه الاسلامیه، فی المدینه المنوره فی مجله الجامعه، اکثر من عدد.

و قد نص علی ان احادیث المهدی، انها متواتره، جمع من الاعلام قدیماً و حدیثاً منهم السخاوی فی

«فتح المغیث»، و محمد بن احمد السفاوینی فی شرح العقیده و ابوالحسین

الابری فی «مناقب الشافعی» و ابن تیمیه فی فتاواه، و السیوطی فی الحاوی، و ادریس العراقی المغربی فی تألیف له عن المهدی، و الشوکانی فی «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر، و الدجال و المسیح» و محمد بن جعفر الکنانی فی «نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر»، و ابوالعباس بن عبد المؤمن المغربی فی «الوهم المکنون من کلام ابن خلدون»

رحمهم الله و حاول ابن خلدون فی مقدمته ان یطعن فی احادیث المهدی، محتجاً بحدیث موضوع لا اصل له عند ابن ماجه لا مهدی الا عیسی. و لکن رد علیه الائمة و العلماء، و خصه بالرد شیخنا ابن عبدالمؤمن، بکتاب مطبوع متناول فی المشرق و المغرب، منذ اکثر من ثلاثین سنه.

و نص الحفاظ و المحدثون علی ان احادیث المهدی فیها الصحیح و الحسن و مجموعها متواتر مقطوع بتواتره و صحته.

و ان الاعتقاد بخروج المهدی، واجب و انه من عقاید اهل السنه و الجماعه و لا ینکره الا جاهل بالسنه، و مبتدع فی العقیده.

و الله یرهدی الی الحق و یرهدی السبیل.

مدیر اداره مجمع الفقهی الاسلامی

محمد المنتصر الکنانی

اثر سازنده انتظار

در بحث گذشته دیدیم که چگونه انتظار ظهور یک «اصلاح عمومی در وضع جهان بشریت» از اعماق روح آدمی سرچشمه می گیرد.

و نیز دانستیم که این عقیده در تعلیمات اسلامی جنبه «وارداتی» ندارد بلکه از قطعی ترین مباحثی است که از شخص پایه گزار اسلام گرفته شده و عموم فرق اسلامی در این زمینه متفقند و احادیث در این زمینه «متواتر» - تنها قضاوت کنندگان ناآگاه یا مستشرقینی که از دور می نشینند و با حدس و گمان درباره همه چیز اظهار نظر می کنند چنین می

پندارند.

اکنون به سراغ پی آمدهای این انتظار در وضع کنونی جوامع اسلامی برویم و ببینیم آیا ایمان به چنین ظهوری انسان را آن سان در افکار رویایی فرو می برد که از وضع موجود خود غافل می گردد، و تسلیم هرگونه شرایطی می کند؟

و یا این که به راستی این عقیده یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است؟

آیا ایجاد تحرک می کند یا رکود؟

آیا مسئولیت آفرین است یا مایه فرار از زیر بار مسئولیت ها؟

و بالاخره آیا مخدر است یا بیدارکننده؟

ولی قبل از توضیح و بررسی این سؤالات توجه به یک نکته کاملاً ضروری است و آن این که

سازنده ترین دستورات و عالی ترین مفاهیم هر گاه به دست افراد ناوارد، یا نالایق، یا سوء استفاده چی بیفتد ممکن است آن را چنان مسخ کنند که درست نتیجه ای برخلاف هدف اصلی بدهد و در مسیر بر ضد آن حرکت کند، و این نمونه های بسیار دارد و مسأله «انتظار» به طوری که خواهیم دید در ردیف همین مسائل است.

به هر حال برای رهایی از هر گونه اشتباه در محاسبه، در این گونه مباحث، باید به اصطلاح آب را از سرچشمه گرفت تا آلودگی های احتمالی نهرها و کانال های میان راه در آن اثر نگذارد.

به همین دلیل ما در بحث انتظار مستقیماً به سراغ متون اصلی اسلامی رفته و لحن گوناگون روایاتی را که روی مسأله «انتظار» تأکید می کند مورد بررسی قرار می دهیم تا از هدف اصلی آگاه شویم.

اکنون با دقت به این چند روایت توجه کنید

۱- کسی از امام صادق (علیه السلام) پرسید چه می گویند درباره کسی که دارای ولایت امامان است، و انتظار ظهور



حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟

امام(علیه السلام) در پاسخ فرمود: «هو بمنزله من کان مع القائم فی فسطاطه - ثم سکت هنیئه - ثم قال هو کمن کان مع رسول الله؛ او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد - سپس کمی سکوت کرد - و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام «در مبارزاتش» همراه بوده است.» (۲)

این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است.

۲- در بعضی «بمنزله الضارب بسیفه فی سبیل الله؛ همانند شمشیرزنی در راه خدا».

۳- و در بعضی دیگر «کمن قارع مع رسول الله بسیفه؛ همانند کسی است که در خدمت پیامبر با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد» (۳)

۴- در بعضی دیگر «بمنزله من کان قاعداً تحت لواء القائم؛ همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد».

۵- و در بعضی دیگر «بمنزله المجاهد بین یدی رسول الله؛ همانند کسی است که پیش روی پیامبر(صلی الله علیه وآله) جهاد کند».

۶- و در بعضی دیگر «بمنزله من استشهد مع رسول الله(صلی الله علیه وآله)؛ همانند کسی است که با پیامبر شهید شود».

این تشبیهات هفتگانه که در مورد انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) در این ۶ روایت وارد شده بسیار پرمعنا و روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه در میان مسأله «انتظار» و «جهاد» و مبارزه با دشمن، در آخرین شکل خود، وجود دارد (دقت کنید).

۷- در روایات متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن، به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است.

این مضمون در بعضی از احادیث از پیامبر(صلی الله علیه وآله) و در بعضی از حضرت علی(علیه السلام) نقل شده است. از جمله در حدیثی می خوانیم که پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود:

«افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عز و جل؛ بالاترین اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خدا کشیدن است» (۴)

و در حدیث دیگری از پیامبر(صلی الله علیه وآله) می خوانیم: «افضل العبادة انتظار الفرج» (۵)

این حدیث اعم از این که انتظار فرج را به معنای وسیع کلمه بدانیم، و یا به مفهوم خاص یعنی انتظار ظهور مصلح جهانی باشد، اهمیت انتظار را در مورد بحث ما روشن می سازد.

این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی همیشه توأم با یک جهاد وسیع و دامنه دار است (این موضوع را سر بسته به خاطر بسپارید تا به شرح آن برسیم).

### مفهوم انتظار

«انتظار» یا «آینده نگری» به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند.

فی المثل بیماری که انتظار بهبودی می کشد و پدیری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می کوشند.

همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرونشستن بحران اقتصادی می باشد این دو حالت را دارد «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر».

بنابراین مسأله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است، عنصر «نفی» و عنصر «اثبات»؛ عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود، و عنصر

اثبات خواهان وضع بهتری بودن است. و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد (زیرا اعتقادات سطحی ممکن است اثر آن از گفتار و سخن تجاوز نکند اما اعتقادات عمیق همیشه آثار عملی گسترده ای به دنبال خواهد داشت).

این دو رشته اعمال عبارتند از: ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد، و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی های جسمی و روحی و مادی و

معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی، از سوی دیگر.

و خوب که دقت کنیم می بینیم هر دو قسمت آن کاملاً سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است.

با توجه به مفهوم اصلی «انتظار» معنای روایات متعددی که در بالا درباره پاداش و نتیجه کار منتظران نقل کردیم به خوبی درک می شود، اکنون می فهمیم چرا منتظران واقعی گاهی همانند کسانی شمرده شده اند که در خیمه حضرت مهدی(علیه السلام) یا زیر پرچم اوست، یا کسی که در راه خدا شمشیر می زند یا به خون خود آغشته شده یا شهید گشته است.

آیا اینها مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و عدالت نیست که متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟

یعنی همانطور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است. انتظار و خودسازی و آمادگی نیز درجات کاملاً مختلفی دارد که هر کدام از اینها با یکی از آنها از نظر «مقدمات» و «نتیجه» شباهت دارد، هر دو جهادند و هر دو آمادگی می خواهند و خودسازی، کسی که در خیمه رهبر چنان حکومتی قرار گرفته یعنی در مرکز ستاد

فرماندهی یک حکومت جهانی است نمی تواند یک فرد غافل و بی خبر و بی تفاوت بوده باشد، آن جا جای هر کس نیست جای افرادی است که به حق شایستگی چنان موقعیت پراهمیتی را دارند.

همچنین کسی که سلاح در دست دارد در برابر رهبر این انقلاب با مخالفان حکومت صلح و عدالتش می جنگد آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی باید داشته باشد.

### انتظار یعنی آماده باش کامل

من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی باشم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است؟

من اگر آلوده و ناپاکم چگونه می توانم، منتظر انقلابی باشم که شعله اولش دامان آلودگان را می گیرد؟

ارتشی که در انتظار جهاد بزرگی است آمادگی رزمی نفرت خود را بالا می برد و روح انقلابی در آنها می دمدم، و هرگونه نقطه ضعفی را اصلاح می کند.

چگونگی «انتظار» همواره متناسب با هدفی است که در انتظار آن هستیم.

انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر.

انتظار بازگشت یک دوست بسیار عزیز.

انتظار فرا رسیدن فصل چیدن میوه از درخت و درو کردن محصول.

انتظار فرا رسیدن فصل تحصیلی مدارس...

هر یک از این انتظارها آمیخته با یک نوع آمادگی است، در یکی باید خانه را آماده کرد و وسایل پذیرایی فراهم ساخت، در دیگری ابزار لازم و داس و کمباین و... در دیگری کتاب و دفتر و قلم و لباس مدرسه و مانند آن.

اکنون فکر کنید آنها که انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی را می کشند در واقع انتظار انقلاب و دگرگونی و تحولی را دارند که وسیع ترین و اساسی ترین انقلاب های انسانی در طول تاریخ بشر است.

انقلابی که برخلاف انقلاب های اصلاحی

پیشین جنبه منطقی ای نداشته و نه اختصاص به یک جنبه از جنبه های مختلف زندگی دارد بلکه علاوه بر این که عمومی و همگانی است تمام شئون و جوانب زندگی انسان ها را شامل می شود، انقلابی است سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اخلاقی.

فعلاً کار به این موضوع نداریم که دلیل ما بر تحقق یافتن چنین انقلابی چیست؟

این را موقوف به بحث دیگری می کنیم، زیرا هدف ما در این بحث تنها بررسی نتایج و آثار چنین عقیده و چنان انتظاری است که آیا به راستی آن چنان که بعضی از ماتریالیست ها پنداشته اند جنبه تخریبی دارد یا سازنده و حرکت آفرین و اصلاح گر است.

سابقاً گفتیم که «انتظار» همیشه از دو عنصر «نفی» و «اثبات» تشکیل می شود ناراحتی از وضع موجود و عشق و علاقه به وضع بهتر.

و در این جا اضافه می کنیم که در هر انقلاب و تحول بنیادی نیز دو جنبه وجود دارد جنبه نفی و جنبه اثبات.

جنبه نخستین انقلاب که همان جنبه «نفی» است، از میان بردن عوامل اختلال و فساد و انحطاط و شستشو دادن لوح جامعه از نقش های مخالف است.

پس از انجام یافتن این مرحله نوبت به جنبه اثبات یعنی جاننشین ساختن عوامل اصلاح و سازندگی می رسد.

ترکیب دو مفهوم «انتظار» و «انقلاب جهانی» آنچه را قبلاً گفتیم کاملاً روشن می کند یعنی کسانی که در انتظار چنان انقلابی به سر می برند اگر در ادعای خود صادق باشند (نه جزء منتظران دروغین خیالی) به طور مسلم آثار زیر در آنها آشکار خواهد شد.

### نخستین فلسفه خودسازی فردی

چنین تحولی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات

وسیعی را در جهان بدوش بکشند، و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است، تنگ نظری ها، کوتاه بینی ها، کج فکری ها، حسادت ها، اختلافات کودکانه و نابخردانه و به طور کلی هرگونه نفاق و پراکندگی با موقعیت منتظران واقعی سازگار نیست.

نکته مهم این جاست که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی تواند نقش تماشاچی را داشته باشد، باید حتماً در صف اصلاح طلبان قرار گیرد.

ایمان به نتایج و عاقبت این تحول هرگز به او اجازه نمی دهد، که در صف مخالفان باشد و قرارگرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن اعمالی پاک و روحی پاک تر و برخورداری از شهامت و آگاهی کافی است.

من اگر ناپاک و آلوده ام چگونه می توانم منتظر تحول و انقلابی باشم که شعله اولش دامان مرا می گیرد؟

من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی بنشینم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است. و من اگر فاسد و نادرستم چگونه می توانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچ گونه نقشی ندارند، بلکه مطرود و منفور خواهند بود روزشماری کنم.

آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان من از لوث آلودگی ها کافی نیست؟

ارتشی که در انتظار جهاد آزادی بخشی به سر می برد، حتماً به حالت آماده باش کامل در می آید، سلاحی که برای چنین میدان نبردی شایسته است بدست می آورد، سلاح های موجود را اصلاح می کند، سنگرهای لازم را می سازد، آمادگی

رزمی نفرت خود را بالا می برد، روحیه افراد خود را تقویت می کند و شعله عشق و شوق برای چنان مبارزه ای را در دل فرد فرد سربازانش زنده نگه می دارد،



ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سر نمی برد و اگر بگوید دروغ می گوید انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری و اخلاقی، و مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. فکر کنید چنین آماده باشی چقدر سازنده است. اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانی ها شوخی نیست، کار ساده ای نمی تواند باشد. آماده باش برای چنین هدف بزرگی باید متناسب با آن باشد یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد.

برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی مردانی بسیار بزرگ و مصمم و بسیار نیرومند و شکست ناپذیر، فوق العاده، پاک و بلندنظر، کاملاً آماده و دارای بینش عمیق لازم است و خودسازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق ترین برنامه های اخلاقی و فکری و اجتماعی است، این است معنای انتظار واقعی، آیا کسی می تواند بگوید چنین انتظاری سازنده نیست؟

### فلسفه دوم - خودیاری های اجتماعی

منتظران راستین درعین حال وظیفه دارند تنها به خویش نپردازند بلکه مراقب حال یکدیگر باشند و علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران نیز بکوشند.

زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند یک برنامه فردی نیست. برنامه ای است که تمام عناصر تحول، باید در آن شرکت جوید باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد. کوشش ها و تلاش ها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

در یک میدان وسیع مبارزه دسته جمعی، هیچ فردی نمی تواند از حال دگران غافل بماند، بلکه موظف است هر نقطه ضعفی را در هر کجا ببیند اصلاح کند، و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم نماید و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند،

زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین، پیاده کردن چنان برنامه ای امکان پذیر نیست.

بنابراین منتظران واقعی علاوه بر این که به اصلاح خویش می کوشند وظیفه خود می دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند.

این است اثر سازنده دیگری برای انتظار قیام یک مصلح جهانی و این است فلسفه آن همه افتخارات و فضیلت ها که برای منتظران راستین شمرده شده است.

### پاسخ به یک سفسطه بزرگ

آنچه در دنیای کنونی کم داریم آگاهی از عواقب دردناک و خطرناک نظام فعلی جهان و عوامل و علل آن است و گرنه ظلم و فساد به حد کافی وجود دارد.

معمولاً افراد سوء استفاده چی برای پنهان داشتن چهره واقعی خود، سعی می کنند در گوشه و کنار قوانین و مقررات، جمله ای یا تبصره ای پیدا کنند که بتوانند آن را به نحوی طبق مقاصد خود تفسیر کنند، در مسأله انتظار مصلح جهانی نیز این موضوع به خوبی به چشم می خورد، زیرا بعضی می گویند:

اگر شرایط ظهور آن مصلح بزرگ، پر شدن زمین از ظلم و فساد است (آن چنان که در روایات اسلامی وارد شده) پس چرا ما در این عصر و زمان مبارزه با فساد کنیم و با ظلم و ستم بجنگیم؟ یا سراغ امر به معروف و نهی از منکر برویم، با این عمل آن انقلاب بزرگ را به تأخیر بیندازیم؟

اگر بخواهیم درست فکر کنیم نه تنها نباید گام در جهت اصلاح برداشت بلکه برای تسریع آن ظهور بزرگ باید کمک به فساد، فساد هر چه وسیع تر و دامنه دارتر، کرد تا شرط ظهور آن مصلح بزرگ، زودتر تحقق یابد.

این سخن را می توان به شکل دیگری تشریح کرد، و آن این که:

انتظار ظهور آن مصلح بزرگ عاملی برای تخدیر توده ها در راه مبارزه با ظلم و

فساد است، مردم را تشویق به سکوت و یا همکاری با ظالمان و ستمگران می کند، و این موهبت بزرگی برای استعمار و استعمارگران خواهد بود که «استعمارشدگان» با دست خود زنجیر را به گردن خود بگذارند.

گمان نمی کنیم آنها که به چنین منطقی دست می زنند واقعاً به آن عقیده داشته باشند، بعید نیست این ماسکی باشد که برای پوشاندن چهره اصلی کارهای خود، به صورت می زنند، ولی در هر صورت ایرادی است که باید پاسخ آن روشن گردد، خواه ایراد کنندگانش مؤمن به آن باشند یا غیر مؤمن.

برای روشن شدن نقطه انحرافی این ایراد باید به سه موضوع عمیقاً توجه کرد.

#### ۱- صفوف را مشخص کنیم

باید توجه داشت که در انقلاب وسیع جهانی آن مصلح بزرگ، تماشاجی، و بی طرف مفهوم ندارد (و در واقع در هیچ یک از انقلاب های وسیع و گسترده بی طرف مفهوم ندارد، خواه در مقیاس جهانی باشد و یا در مقیاس های منطقه ای، زیرا اگر به سود اجتماع است تمام افراد متعهد وظیفه دارند در آن شرکت کنند) و اگر زیان بخش است همه وظیفه دارند با آن مبارزه کنند و اما فرض این که یک انقلاب گسترده نه زبانی به حال اجتماع داشته باشد و نه سود، فرض محال است).

بنابراین هر یک از ما از همین حالا باید موقعیت خودمان را در انقلاب آن مصلح بزرگ روشن سازیم و صف خود را مشخص کنیم.

من اگر امروز کمک به ظلم و فساد کنم، چگونه ممکن است به هنگام برپا شدن آن انقلاب، در صف مصلحان و رزمندگان بر ضد ظلم باشم؟ با این عمل بی شک در صف مخالف قرار خواهم گرفت مگر غیر از این است که ظهور آن مصلح جهانی برای ریشه کن ساختن و نابود کردن ظالمان است؟ بنابراین من با کمک به ظلم و فساد باید آماده پذیرش شمشیر آن

مصلح بزرگ بر گردن خویش باشم، نه قرار گرفتن در صف یاران و سربازان او، به تعبیر دیگر معقول نیست ما کمک به تسریع انقلابی کنیم که خود جزء تصفیه شدگان آن خواهیم بود، این درست به آن می ماند که آنتی برافروزم که شعله هایش اول دامان خود ما را خواهد گرفت.

اگر می خواهیم موقعیت خود را در این مبارزه مشخص کنیم، از هم اکنون باید حساب خود را از ظلم و ظالم و فاسد و مفسد جدا سازیم.

خلاصه این که به فرض که ما به کمک کردن به ظلم و ستم، انقلاب را پیش بیندازیم، نابودی خودمان را نیز - به عنوان یک ستمگر - پیش انداخته ایم.

۲- هدف آمادگی است، فساد هدف نیست برخلاف آنچه بعضی تصور می کنند برای تسریع ظهور مصلح جهانی، آنچه لازم است آمادگی و تشنگی محیط است، نه وجود ظلم و فساد.

البته نمی توان انکار کرد که افزایش ظلم و فساد یکی از عوامل آمادگی است، چه این که وقتی مردم جهان ثمره تلخ و شوم تبعیض ها و بی عدالتی ها را بچشند ناراحت می شوند و در جستجوی یک طریق اصلاح و یافتن یک مصلح جهانی گام بر می دارند، و به گفته شاعر:

همه از ظلم و ستم خسته شده \*\*\* رهروی راهبری می جویند

#### و به تعبیر دیگر:

مردم جهان تدریجاً این حقیقت را در می یابند که وجود حکومت ها و کشورهای متعدد سرچشمه تضادها و رقابت های ناسالم و جنگ ها و خونریزی هاست و همین موضوع آنها را به فکر تشکیل «حکومت واحد جهانی» با ابعاد وسیعش می افکند.

تدریجاً متوجه می شوند که مسابقه تسلیحاتی مخصوصاً در میان قدرت های بزرگ بیشتر سرمایه های انسانی و اقتصادی جهان را می بلعد، و نتیجه

ویرانی باقی مانده سرمایه هاست، در درجه اول از تجزیه قدرت های جهان سرچشمه می گیرد، و از خلاصه شدن همه گرایش های مادی اگر حکومت واحدی جای آن را بگیرد تنها نیاز به نیروی محدودی برای قرار نظم در جهان است و نه بیشتر، و باقیمانده همه صرف عمران و آبادی می گردد نه تخریب.

کوتاه سخن این که آنچه در این جا مهم است مسأله آمادگی روحی و جسمی برای پذیرش چنان نظام واحدی است و آگاهی از عواقب خطرناک وضع نابسامان کنونی، و اگر در روایات اسلامی می خوانیم قبل از چنین انقلابی، جهان را ظلم و فساد خواهد گرفت آن هم در واقع مقدمه ای است برای پیدایش آگاهی و آمادگی، نه این که ظلم هدف و فساد، به راستی هدف نهایی باشد.

۳- موضوع دیگر این که مدت هاست که جهان از ظلم و فساد پر شده است چه ظلم و فساد بالاتر از این همه جنگ ها و خونریزی ها و غارت گری ها و استعمارها در اشکال مختلف، و جنایات و تبعیض های ناروا، و تقلب ها و خیانت ها و مفساد اخلاقی دیگر، بنابراین لزومی ندارد چیزی بر آن مفسد بیفزاییم.

آنچه در مورد آن کمبود شدید احساس می شود آگاهی از «عواقب» این وضع از یک سو و «علل و عوامل» آن از سوی دیگر است.

منتظران واقعی باید تمام تلاش و کوشش خود را در این دو قسمت به کار برند، نتیجه وضع کنونی را روشن سازند و علل اصلی آن را نیز مشخص کنند تا آمادگی که شرط ظهور است انجام یابد.

منتظران راستین در فساد محیط حل نمی شوند

در این سلسله بحث ها تاکنون دو قسمت از فلسفه های انتظار ظهور مصلح بزرگ جهانی یعنی :

الف) تأثیر انتظار در خودسازی های

فردی.

ب) تأثیر انتظار در خودیاری های اجتماعی.

مورد بررسی قرار گرفته است.

ولی اثر سازنده این انتظار منحصر به اینها نیست، اثر مهم دیگری نیز دارد که ذیلاً از نظر خوانندگان محترم می گذرد و آن حل نشدن در مفسد محیط، و عدم تسلیم در برابر آلودگی هاست.

توضیح این که هنگامی که فساد فراگیر می شود، و اکثریت و یا جمع کثیری را به آلودگی می کشاند، گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می گیرند، بن بست است که از یأس از اصلاحات سرچشمه می گیرد.

گاهی آن ها فکر می کنند، کار از کار گذشته و دیگر امیدی برای اصلاح نیست، و تلاش و کوشش برای پاک نگهداشتن خویش بیهوده است، این نومیدی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند، و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند، و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند.

تنها چیزی که می تواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است، تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و حتی برای اصلاح دیگران بر نخواهند داشت.

و اگر می بینیم در دستورات اسلامی یأس از آمرزش، یکی از بزرگ ترین گناهان شمرده شده است و ممکن است افراد ناوارد، تعجب کنند که چرا یأس از رحمت خدا این قدر مهم تلقی شده، مهم تر از بسیاری از گناهان، فلسفه اش در حقیقت همین است که گناهکار مأیوس از رحمت، هیچ دلیلی نمی بیند که به فکر جبران بیفتد و یا لااقل دست از ادامه گناه بردارد، و منطقی او این است آب از



سر من گذشته است، چه یک قامت چه صد قامت، من که رسوای جهانم غم دنیا هیچ است، بالاتر از سیاهی، رنگ دگر نباشد، آخرش جهنم است، من که هم اکنون آن را برای خود خریده ام، دیگر از چه چیز می ترسم؟

اما هنگامی که روزنه امید برای او گشوده شود، امید به عفو پروردگار و امید به تغییر وضع موجود، نقطه عطفی در زندگی او پیدا می شود و چه بسیار او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می نماید.

به همین دلیل امید را می توان همواره به عنوان یک عامل مؤثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت، همچنین افراد صالحی که در محیط های فاسد گرفتارند، بدون امید نمی توانند خویششان را حفظ کنند.

نتیجه این که انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می شود، امید ظهورش بیشتر می گردد اثر

فزاینده روانی در معتقدان دارد، و آنها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می کند، آنها نه تنها با گسترش دامنه فساد محیط مایوس تر نمی شوند بلکه به مقتضای «وعده وصل چون شود نزدیک \*\*\* آتش عشق تیزتر گردد»

وصول به هدف را در برابر خویش می بینند و کوششان برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویششان با شوق و عشق زیادتری تعقیب می گردد.

از مجموع بحث های گذشته چنین نتیجه می گیریم که اثر تخریبی انتظار تنها در صورتی است که مفهوم آن مسخ و تحریف شود -

همانگونه که جمعی از مخالفان، تحریفش کرده اند و جمعی از موافقان مسخش - اما اگر به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود، یک عامل مهم تربیت و خودسازی و تحرک و امید خواهد بود.

از جمله مدارک روشنی که این موضوع را تأیید می کند، این است که در ذیل آیه «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض...؛ خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند، وعده داده است حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد» از پیشوایان بزرگ اسلام نقل شده است که منظور از این آیه «هو و اصحابه» مهدی و یاران هستند. (۶)

و در حدیث دیگری می خوانیم

«نزلت فی المهدی؛ این آیه درباره مهدی(علیه السلام) نازل شده است» در حالی که در این آیه مهدی و یارانش به عنوان «الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات؛ آنها که ایمان دارند و عمل صالح معرفی شده اند، بنابراین تحقق این انقلاب جهانی بدون یک ایمان مستحکم، که هرگونه ضعف و زبونی و ناتوانی را دور سازد و بدون اعمال صالحی که راه را برای اصلاح جهان بگشاید، امکان پذیر نیست و آنها که در انتظار چنین برنامه ای هستند، هم باید سطح آگاهی و ایمان خود را بالا ببرند و هم در اصلاح خویش و اعمال خود بکوشند.

تنها چنین کسانی هستند که می توانند نوید زندگی در حکومت او را به خود دهند، نه آنها که با ظلم و ستمگری همکاری دارند. و نه آنها که از ایمان و عمل

صالح بیگانه اند.

و نه افراد ترسو و زبونی که بر اثر ضعف ایمان از همه چیز حتی از سایه خود می ترسند،

و نه افراد سست و بی حال و بی کاره ای که دست روی دست گذارده و در برابر مفاسد محیط زندگی و جامعه شان سکوت اختیار کرده و کمترین تلاش و کوششی در راه مبارزه با فساد ندارند... آری انتظار راستین این است.

#### منبع:

۱. قران کریم .
۲. تفسیر نمونه مکارم شیرازی ناصر دار الکتب الاسلامیه تهران چاپ اول ۱۳۷۴ ش.
۳. حکومت جهانی مهدی عج ناصر مکارم شیرازی نسل جوان قم پنجم ۱۳۸۶ ه. ش.
۴. پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان ناصر مکارم شیرازی نسل جوان قم چاپ هجدهم ۱۳۸۶ ه. ش.
۵. یکصد و ده سرمش از سخنان حضرت علیعلیه السلام ناصر مکارم شیرازی تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام قم چاپ سوم ۱۳۸۷ ه. ش.
۶. بحار الانوار مجلسی محمد باقر بن محمد تقی محقق / مصحح جمعی از محققان دار احیاء التراث العربی

بیروت چاپ دوم ۱۴۰۳ ق.

۷. تاریخ قم حسن بن محمد بن حسن قمی ترجمه حسن بن علی بن حسن عبد الملک قمی تحقیق سید جلال الدین تهرانی تهران توس ۱۳۶۱ ش.
۸. پیدایش مذاهب ناصر مکارم شیرازی مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع قم چاپ اول ۱۳۸۴ ه. ش.
۹. وسایل الشیعه شیخ حر عاملی محمد بن حسن موسسه ال البيت علیهم السلام قم چاپ اول ۱۴۰۹ ق.
۱۰. نهج البلاغه شریف الرضی محمد بن حسین محقق / مصحح للصبیحی صالح هجرت قم چاپ اول ۱۴۱۴ ق.
۱۱. تفسیر نور الثقلین عروسی حویزی عبد علی بن جمعه تحقیق سید هاشم رسولی محلات انتشارات اسماعیلیان قم چاپ چهارم ۱۴۱۵ ق.
۱۲. کمال الدین و تمام النعمه ابن بابویه محمد بن علی محقق / مصحح غفاری علی اکبر اسلامیه تهران چاپ دوم ۱۳۹۵ ق

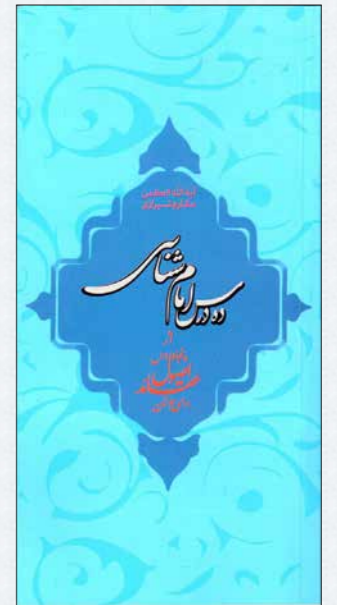
#### پی نوشت:

- (۱) . نقل از دیباچه ای بر رهبری، ص ۲۰۱ .
- (۲) . محاسن برقی طبق نقل بحار، ج ۱۳، ص ۱۳۶ .
- (۳) . قرع بسیفه یعنی با شمشیرش بر فرق دشمن کوبید.
- (۴) . کافی بنا به نقل بحار، ج ۱۳، ص ۱۳۷ .
- (۵) . کافی، به نقل بحار، ج ۱۳، ص ۱۳۶ .
- (۶) . بحار الانوار، ج ۱۳، چاپ قدیم، ص ۱۴ .



## «ده درس امام‌شناسی»

اثر ارزشمند حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)



از جمله مهمترین مباحث دین اسلام، بحث امامت است؛ چرا که در فرهنگ اسلامی و نگاه شیعی، «امامت»، تداوم خط «رسالت» است و «امام» به عنوان وصی و جانشین «پیامبر»، نقش مدیریت جامعه و هدایت مسلمانان و تربیت نفوس مؤمنان و اجرای احکام قرآن و دفاع از اسلام و تبیین خط راستین مکتب و مقابله با تحریف‌ها و انحراف‌ها و بدعت‌ها را بر عهده دارد.

لذا پاسخگویی به این پرسش کلیدی که پس از پیامبر، چه کسی باید عهده دار «ولایت» باشد و مردم تکلیف دارند از چه کسی و با کدام شاخصه‌ها و اوصاف، فرمان برداری کنند، مسئله‌ای مهم و سرنوشت ساز است. به همین دلیل شناخت چنین کسی لازم است.

از این رو در روایات متعدد بر ضرورت «امام‌شناسی» تأکید شده است. چنانچه رسول خدا(ص) فرموده است: «من مات و هو لا يعرف امامه مات میتة جاهلیة؛ هر کس بمیرد، در حالی که امام خود را

نمی‌شناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.» بنابراین شناخت امام عنوان یک تکلیف حتمی و نجات بخش، لازم است و آنان که امام خود را نشناسند و از امام شایسته و بر حق تبعیت نکنند، به گمراهی خواهند افتاد.

بر این اساس لازم است اهتمام به تألیف آثار متعدد در زمینه امام‌شناسی؛ مورد نظر علما و نخبگان جامعه اسلامی قرار گیرد تا اینچنین معارف ناب شیعی در جامعه اسلامی گسترش یابد؛ که در این میان کتاب «ده درس امام‌شناسی» از جمله آثار مهم و ارزشمندی است که به قلم حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی که از دهها سال قبل در حوزه علمیه قم در زمره یشگامان بحث‌های عقیدتی قرار دارند به زیور طبع آراسته شده است؛ کتابی مهم که برای همه جست‌وجوگران این راه مفید و سازنده است و مؤلف مسئله امامت را طبق دلائل عقلی و تاریخی و آیات قرآن، و سنت پیامبربررسی کرده است.

## انگیزه تألیف کتاب

مؤلف کتاب در تبیین چرایی نگارش این اثر می‌نویسد: مهم‌ترین ویژگی انقلاب ما اسلامی بودن آن است و مهم‌ترین ویژگی مکتب اسلام، انسان‌سازی بر اساس معیارهای الهی است.

هدف ما این است که مجموعه‌ای دقیق و مستدل و در عین حال جالب و شیرین از اعتقادات خالص اسلامی از جمله «امامت» را در اختیار همگان به ویژه نسل جوان قرار گیرد تا بتوانند در این شرایط خاص انقلاب اسلامی، خود را بسازند و ایمانی نیرومند که در اعمال و رفتار آنها پرتوافکن باشد فراهم آورند. و هم مقدمه‌ای باشد برای مطالعات بیشتر.

## ساختار کلی کتاب

کتاب «ده درس امام‌شناسی» از ده مبحث اصلی تشکیل شده است. که فصول ده‌گانه آن عبارتند از: ۱. بحث امامت از کی آغاز شد؟ ۲. فلسفه وجود امام علیه السلام ۳. شرایط و صفات ویژه امام علیه السلام ۴. نصب امام علیه السلام بر عهده کیست؟ ۵. قرآن و امامت ۶. امامت در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ۷. حدیث منزلت و حدیث یوم الدار ۸. حدیث ثقلین و سفینه نوح ۹. امامان دوازدهگانه ۱۰. حضرت مهدی(عج) دوازدهمین پیشوا و مصلح بزرگ جهانی.

## «ده درس امام‌شناسی» در یک نگاه

گفتنی است حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی با طرح مباحث بنیادین امامت و ترسیم خطوط اصلی و فرعی آن؛ تبیین و تعمیق هر چه بهتر آن مباحث را فراهم کرده است و مخاطبان اثر را بیش از پیش به تفکر و اندیشه واداشته است.

مؤلف دانشمند اثر در فصل اول با تبیین رهیافت تاریخی مسأله امامت کوشیده است با ابزارها و روش‌های رایج در دانش تاریخ، به تحلیل این امر بپردازد که آیا رسول خدا(ص) شخص خاصی را پس از خود برای تصدی امر امامت معین و

مشخص ساخته است یا خیر؟ که پاسخ آن روشن است و در فرازای از بخش اول کتاب می‌خوانیم؛ «پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این کار را کرده، و علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود برگزیده است.»

گفتنی است مؤلف در این اثر با طرح عناوینی هم چون تکامل معنوی در کنار وجود رهبران الهی؛ پاسداری شرایع آسمانی، رهبری سیاسی و اجتماعی امت، لزوم اتمام حجت و امام علیه السلام واسطه بزرگ فیض الهی، خطوط اصلی فلسفه وجود امام علیه السلام را به خوبی تبیین کرده است.

در بخشی از اثر معصوم بودن از خطا و گناه؛ علم سرشار؛ شجاعت؛ زهد و وارستگی؛ جاذبه اخلاقی به عنوان مهم‌ترین شرایط و ویژگی‌های امام علیه السلام ذکر شده است.

از جمله مباحث بنیادین مسأله امامت، «انتصابی و الهی» یا «انتخابی و عادی» بودن آن است. شیعیان معتقد به انتصابی بودن و دیگر مذاهب اسلامی پیرو انتخابی بودن آن هستند.

در این بین مؤلف اثر با بیان استدلال و تبیین مفهوم شناسی دقیق «امامت»؛ و روشنگری نسبت به ناکارآمدی قائلان به انتخابی بودن امامت، به نحو عینی آشکار نمود که طرح این گونه سؤالات از عاملان سقیفه؛ خود دلیل بر این است که راه نصب امام انتخاب‌گرایی نبوده است.

گفتنی است مؤلف در اثبات اصل امامت؛ نص صریح قرآن کریم را مورد توجه قرار داده و اینگونه می‌نویسد: «قرآن این بزرگ کتاب آسمانی ما بهترین راهگشا در همه چیز، و در مسئله امامت است، و آن را از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داده است.»

از این رو مؤلف در اثبات امامت به نحو عام و تبیین امامت و خلافت بلافضل امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام؛ کلام نورانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را مورد واکاوی قرار داده است

لذا معرفی چند حدیث معروف از جمله حدیث غدیر، حدیث منزلت و حدیث یوم الدار، حدیث ثقلین و سفینه نوح از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) منطبق بر احادیث معتبر شیعه و منبع معتبر اهل سنت از جمله روایاتی است که این مهم را به خوبی به اثبات رسانده است.

لازم به ذکر است مؤلف پس از اثبات امامت و خلافت بلافضل امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از امامت بقیه امامان سخن می‌گوید لذا روایات متعدّد کتب اهل سنت و شیعه که به صورت کلی که از خلافت «دوازده خلیفه و امام» بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می‌گوید را به ویژه در منابع معتبر اهل سنت به خوبی بیان کرده و محتوای آن احادیث را نیز برای مخاطب به تفصیل شرح داده است.

فصل دهم و پایانی اثر با عنوان حضرت مهدی دوازدهمین پیشوا و مصلح بزرگ جهانی با طرح این پرسش آغاز می‌شود که آیا وجود انحرافات عقیدتی و مفسد اخلاقی فراوان در جهان معاصر، همچون باتلاق متعفن، انسان‌ها را در خود فرو می‌برد؟ و یا روزنه‌ای برای نجات و اصلاح وجود دارد؟

در این بین مؤلف دانشمند کتاب در پاسخ به این پرسش با رویکرد فطرت محوری، ضرورت اصل انتظار و ظهور منجی موعود را در همه ادیان و مکاتب توحیدی و غیر توحیدی اثبات می‌سازد و در ادامه نیز با طرح دلایل عقلی و استناد به آیات و روایات ظهور حضرت مهدی(عج) را به عنوان مهمترین ضروریات مذهب مورد تأکید قرار می‌دهد.

گفتنی است این کتاب به شیوه درسنامه تنظیم شده است، بدین نحو که مؤلف در پایان هر فصل با طرح پرسش‌های مرتبط با عنوان و محتوای آن فصل؛ در ارتقای تعمیق مخاطبان به اصل امامت کوشیده است که این رویکرد دقیق مؤلف، ان اثر ارزشمند را از دیگر آثار مرتبط با



مبحث امامت متمایز کرده است. لذا کتاب «ده درس امامشناسی» برای تدریس در مراکز آموزشی و مدارس بسیار مناسب است.

### گزارش محتوایی اثر

هر چند درباره محتوای این اثر گرانسگ، گفتنی‌ها فراوان است ولی به جهت رعایت اختصار به ذکر نمونه‌هایی کوتاه و گویا از مطالب آن اکتفا می‌شود:

### طرح مباحث امامت در سایه وحدت گرای

وحدت‌گرایی و پرهیز از اخلاف‌گرایی و بیان اصل اعتقادی امامت به دور از طرح مباحث حاشیه‌ای از جمله اصول راهبردی مولف در نگارش کتاب ده درس امام‌شناسی است که ارزش این اثر را از دیگر آثار اعتقادی متمایز کرده است؛ مولف در بخشی از کتاب می‌نویسد: «بحث‌های منطقی و مستدل و دور از تعصب و لجاجت و پرخاشگری، در محیطی صمیمانه و دوستانه، نه تنها تفرقه‌انگیز نیست، بلکه فاصله‌ها را کم می‌کند، و نقاط مشترک را تقویت می‌نماید.

مولف معتقد است طرح این مباحث نه تنها سوء اثری در مناسبات ما ندارد؛ بلکه باعث تفاهم و خوش‌بینی بیشتر می‌شود، فاصله‌ها را کمتر می‌کند و کینه‌های احتمالی را از سینه‌ها می‌شوید. مهم این است که در این بحث‌ها روشن می‌شود ما با یکدیگر نقطه‌های مشترک فراوانی داریم که می‌توانیم در برابر دشمنان مشترک، روی آن تکیه و تأکید کنیم.

لذا صاحب اثر می‌نویسد: چه اشکالی دارد بحث اعتقادات را از طریق منطق و استدلال تعقیب کنیم؟ ولی در عین حال مراقب باشیم که عواطف مذهبی دیگران را جریحه‌دار نکنیم.

هنگامی که ما مسئله امامت را به روشی که در بالا گفتیم مطرح کنیم و نقاطی را که شیعه بر آن تأکید دارد با دلایلی از کتاب و سنت روشن سازیم، معلوم می‌گردد که

این تبلیغات دشمنان در شیعه‌هراسی دروغ بوده، و دشمنان مشترک ما دست به سمپاشی زده‌اند.

### بهره‌گیری از دلایل عقلی در اثبات امامت

گفتنی است دغدغه مندی صاحب اثر به تبیین عقلانی و حکمی مسأله امامت و طرح آن مسأله از طریق بهره‌گیری از قواعد معتبر کلامی؛ اتقان و استحکام معرفتی اثر را دو چندان کرده است. لذا شاکیه استدلالی و منطقی کتاب بر مبنای قواعد عقلی و کلامی هم چون قاعده لطف استوار شده است؛ تکامل معنوی در کنار وجود رهبران الهی؛ پاسداری شرایع آسمانی؛ رهبری سیاسی و اجتماعی امت؛ لزوم اتمام حجت؛ امام علیه السلام واسطه بزرگ فیض الهی از جمله مولفه‌های آن اثر به شمار می‌رود.

لذا مولف در فرآزی از کتاب می‌نویسد: «منظور از قاعده لطف این است که خداوند حکیم، تمام اموری را که برای وصال انسان به هدف آفرینش لازم است، در اختیار او قرار می‌دهد، از جمله بعثت پیامبران و نصب وجود امام معصوم و گرنه نقض غرض کرده است.»

### تبیین جایگاه امامت در زندگی اجتماعی مردم

افق اندیشه دقیق مولفه نسبت به مولفه‌های اجتماعی؛ بازنمایی دقیق کارکردهای اجتماعی و عینی امام در اجتماع را رقم زده است و پویایی خاصی به اثر بخشیده است: در بخشی از اثر می‌خوانیم: «آیا بی‌عدالتی‌ها و فسادهای اخلاقی و اجتماعی که نوعی بی‌نظمی است می‌تواند برای همیشه بر جامعه بشریت حاکم باشد؟! ... بدون شک هیچ جمع و گروهی بدون نظام اجتماعی که در رأس آن رهبری توانا باشد نمی‌تواند

به حیات خود ادامه دهند، ... لذا جامعه نیازمند نظام صحیحی است که بر آن حاکم باشد، استعدادهای انسانی را شکوفا سازد، با کجی‌ها و انحرافات مبارزه کند،

حقوق همه افراد را حفظ نماید، و برای رسیدن به هدف‌های بزرگ برنامه‌ریزی و سازماندهی داشته باشد و انگیزه‌های حرکت را در یک محیط آزاد در کل جامعه بسیج کند.»

### بهره‌گیری از منابع معتبر اهل سنت

بی‌شک از جمله امتیازات ویژه اثر این است که مولف با ظرافت و هنر مندی توانسته استاصل امامت را نه تنها با منابع روایی معتبر شیعی بلکه با بهره‌گیری از منابع معتبر اهل سنت به منصفه ظهور رساند.

اینگونه است که مولف در بخشی از کتاب می‌نویسد: «روایات متعددی در کتب اهل سنت و شیعه، امروز در دست ماست که به صورت کلی سخن از خلافت «دوازده خلیفه و امام» بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید. این احادیث در منابع بسیار معروف اهل سنت مانند صحیح بخاری، صحیح ترمذی، صحیح مسلم، صحیح ابی‌داود و مسند احمد و امثال این کتب نقل شده است.»

هم‌چنین در بخش دیگر از اثر می‌خوانیم: «احادیث در زمینه این که حکومت جهانی توأم با صلح و عدالت به وسیله فردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام «مهدی» تحقق می‌یابد در منابع حدیث «شیعه» و «اهل سنت» به قدری زیاد است که از حد «تواتر» نیز می‌گذرد.»

لازم به ذکر است این اثر نفیس برگرفته از دیگر کتاب گرانسنگ معظم له با عنوان «پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان» است که به صورت مستقل در سال ۱۳۹۰، در یک جلد و در ۱۲۰ صفحه در قطع پالتویی توسط انتشارات نسل جوان منتشر شده که تا کنون نیز چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.

## مؤسسات وابسته

# بخش مناطق محروم

یکی از درخشان‌ترین فعالیت‌های مراجع عظام تشیع، در گذشته و حال، پاسداری از دین و پیام‌رسانی مذهب بوده است و در این راستا تألمات جانکاهی را متحمل شده‌اند تا توانسته‌اند چراغ پرنور هدایتگری را همچنان روشن نگاه دارند. امروزه امپراطور بزرگ رسانه‌ای جهان با مدرن‌ترین ابزار فنی و اطلاع‌رسانی علیه اسلام و مذهب تشیع مشغول تبلیغ و دروغ‌پردازی است و در این راستا از افراد جاهل و بی‌اطلاع سوء استفاده کرده و با تشکیل گروه‌هایی تحت عنوان طالبان، القاعده و داعش و ... چهره کریه و منفوری از اسلام به نمایش گذاشته و ضمن ایجاد تفرقه بین مسلمانان اقدام به ترور و کشتار در دنیا و خاورمیانه خصوصاً عراق، افغانستان، پاکستان و سوریه نموده است. مرجع عظیم الشان جهان تشیع حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه) با توجه به مطالب فوق و احساس نیاز نسبت به اقدامات پیشگیرانه و تدافعی و برای پاسخ‌گویی به نیاز فرهنگی داخل و خارج کشور و جهان اسلام و پاسخ مثبت به درخواست‌های مکرر ائمه محترم جمعه و علماء و معتمدین مناطق محروم کشور دستور تأسیس بخش رسیدگی به امور مناطق محروم داخل و خارج کشور را صادر فرمودند. بنا به دستور معظم له این بخش از شهریور ۱۳۸۶ در دفتر معظم له تأسیس گردید و با مطالعه وسیع، بندهای

ذیل را در دستور کار خود قرار داد:

- تشکیل کلاس‌های آموزشی مبلغین اعزامی به مناطق آسیب‌پذیر
- اعزام مبلغ آموزش دیده به مناطق محروم در چهار مقطع فاطمیه، محرم، صفر و رمضان
- کمک به روحانیون در مناطق آسیب‌پذیر به طور منظم و مقطعی
- برگزاری اردوی تابستانی مستبصرین و میزبانان به مشهد مقدس
- چاپ کتاب‌های مناسب برای پاسخ به شبهات روز
- احداث یا تکمیل چندین حوزه علمیه در مناطق محروم داخل و خارج کشور
- ساخت تعدادی خانه برای شیعیان محروم هند
- کمک ماهیانه به برخی از دارالقرآن‌های مناطق محروم کشور
- احداث و تکمیل مساجد، خانه‌های عالم، حمام و حسینیه‌ها
- توزیع آرد، کفش، لباس و مواد غذایی
- تأسیس و تجهیز کتابخانه‌ها
- ارسال محصولات فرهنگی، قرآن، مفاتیح و سایر کتب مذهبی
- پرداخت کمک هزینه به مؤذنین و مآلهای محلی مناطق محروم

- پرداخت شهریه به حوزه علمیه خواهران در برخی از مناطق
- اعزام هیئت‌هایی به مناطق محروم و تفقد از ائمه محترم جمعه و تبادل نظر با مسئولین
- تهیه گزارش مفصلی از نیازمندی‌های فرهنگی مناطق محروم و ارسال آن به محضر مقام معظم رهبری (دامت برکاته)
- کمک به مؤسسات فرهنگی در مناطق محروم خارج از کشور
- تأسیس حوزه علمیه تحصیلات تکمیلی در هند و پرداخت شهریه
- کمک به مؤسسات فرهنگی در افغانستان، پاکستان، عراق، آذربایجان، هند و ..
- علاوه بر خدمات بخش مناطق محروم دفتر، مؤسسات وابسته به دفتر از قبیل مؤسسه خیریه فرهنگی مسجد و مدرسه ۱۱۰ و همچنین مؤسسه خیریه ناصرین و همچنین دفاتر وابسته به دفتر معظم له در شهرستان‌ها خدمات بسیار فراوان و شایسته‌ای در کشور عزیزمان ایران به ویژه در مناطق محروم کشور داشته‌اند. آنچه در ادامه می‌آید بخشی از خدمات انجام شده توسط بخش مناطق محروم دفتر و سایر مؤسسات وابسته به دفتر می‌باشد.



**آینده روشن در انتظار جوامع بشری**  
**پرسش:** آیا می توان به آینده روشنی برای جهان امیدوار بود؟

**پاسخ اجمالی:** شاید در نگاه ابتدایی ، آینده بشر تاریک به نظر برسد، اما مطالعات عمیقتر خبر از آینده ای روشن دارد. دلایل این حقیقت عبارت اند از: ۱- قانون کلی سیر تکاملی جامعه ها. ۲- نظم و هماهنگی همه موجودات. ۳- جنگها و بیدادگری ها و تبعیض ها، می تواند جهان را آبهستن انقلابی عظیم و فراگیر برای اصلاح جهان نماید. ۴- نیاز به وجود حکومت واحد جهانی برای مردم تبدیل به یک ضرورت اجتناب ناپذیر شده است. ۵- همه انسانها فطرتاً به صلح و عدالت جهانی تمایل دارند.

**پاسخ تفصیلی:** در نظر ابتدائی قرائن گواهی می دهد که دنیا به سوی «فاجعه» پیش می رود؛ فاجعه ای که زائیده: «ترک عواطف»؛ «افزایش فاصله میان جوامع ثروتمند و فقیر»؛ «شدت گرفتن اختلافات و برخوردهای دولتهای بزرگ و کوچک»؛ «سیر تصاعدی جنایات»؛ «نابسامانیهای اخلاقی و روحی و فکری» و «فراورده های نامطلوب و پیش بینی نشده زندگی ماشینی» و مانند آن است.

آگاهان بین المللی می گویند:

تنها حجم بمبهای هسته ای موجود در زرادخانه های دولتهای بزرگ برای نابود ساختن تمام آبادیهای کره زمین - نه یک بار بلکه هفت بار - کافی است!

در سران بزرگ امروز دنیا نیز «حسّ جاه طلبی» و «جنون قدرت» به اندازه کافی برای شروع چنین جنگی سراغ داریم!

بنابراین، پیش بینی می توان کرد که در آینده ای نه چندان دور «فاجعه بزرگ» روی دهد و احتمالاً بشریت در یک جنگ وسیع اتمی، یا بر اثر فقر اقتصادی ناشی

از انحصارطلبی قدرتهای بزرگ، یا پایان گرفتن منابع انرژی و یا غیر قابل زیست شدن محیط زیست، از میان برود!

ولی در برابر اینهمه عوامل بدبینی ابتدایی، مطالعات عمیقتر نشان می دهد آینده درخشانی در پیش است:

این ابرهای تیره و تار با غرّش تندرهای وحشت انگیز سرانجام کنار خواهد رفت.

این شام سیاه قیرگون را صبح سپید امیدی به دنبال است.

این سرمای سوزان زمستان جهل و فساد و زور گویی و ستم، بهار شکوفان عدالتی در پی دارد.

این اندوه کشنده، این طوفان مرگبار، و این سیل ویرانگر، سرانجام، پایان می گیرد، و اگر خوب بنگریم در افقهای دور دست نشانه های ساحل نجات به چشم می خورد!

بر این حقیقت دلائلی می توان ارائه کرد:

۱- قانون سیر تکاملی جامعه ها نخستین دلیل منطقی برای این موضوع، قانون سیر تکاملی جامعه هاست.

از آن روز که انسان خود را شناخته هیچگاه زندگی یکنواخت نداشته، بلکه با الهام از انگیزه درونی - و شاید نا آگاه - کوشش داشته که خود و جامعه خویش را به پیش براند.

از نظر مسکن، یک روز غارنشین بود و امروز آسمانخراش هایی ساخته که یک دستگاه آن می تواند جمعیتی معادل یک شهر کوچک را در خود جای دهد - با تمام وسائل زندگی و همه امکانات لازم برای مردم یک شهر! از نظر لباس، مرکب، غذا و همینطور.....

چنین می توان نتیجه گرفت که این نهاد بزرگ آرام نخواهد نشست، و همچنان انسان را در مسیر تکاملها به پیش می راند، و نیروهایش را برای غلبه بر مشکلات و نابسامانیها و ناهنجاریهای زندگی کنونی بسیج می کند.

به سوی جامعههای پیش می برد که «تکاملهای اخلاقی» در کنار «تکاملهای مادی» قرار گیرد.

ممکن است کسانی بگویند که تکاملهای گذشته همه در جنبه های مادی صورت گرفته، و دلیلی ندارد که سیر تکاملی، معنویات را هم در بر گیرد.

ولی پاسخ این سخن روشن است زیرا:

اولاً، در تکاملهای گذشته بسیاری از اصول معنوی و انسانی را نیز می توان یافت؛ مثلاً، در علوم و دانشهای بشری که در پرتو تکامل، پیشروی عظیم کرده است؛ علوم غیر مادی هم کم نیست؛ و فی المثل، اعتقاد بشر نخستین درباره «خدا» که به صورت پرستش قطعات سنگ و چوب و حتی بتهایی از خرما بود، هیچگونه شباهتی با درک یک دانشمند روشن ضمیر خدانشناس یا یک حکیم عارف ربّانی امروز، از این مسئله، ندارد.

ثانیاً، تکامل در همه جا تکامل است؛ و عشقی را که در درون وجود خود نسبت به آن می یابیم هیچ حدّ و مرزی را به رسمیت نمی شناسد و در همه زمینه ها جویای آن هستیم و در مسیر آن پویا.

از این گذشته، اصول مادی و معنوی از هم جدا نیستند؛ و فی المثل، روح ستیزه جویی و برتری طلبی، و تجاوز گری، به همان اندازه زندگی مادی انسانها را به هم می ریزد که یک بمب اتمی پر قدرت! بلکه دومی بدون اولی به کار نخواهد رفت! و از این جا می فهمیم که این تکامل در همه زمینه ها ادامه خواهد یافت.

۲- هماهنگی با جهان آفرینش:

جهان هستی تا آنجا که می دانیم مجموعه ای از نظامها است.

وجود قوانین منظم و عمومی در سرتاسر این جهان دلیل بر یکپارچگی و به هم پیوستگی این نظام است.

فی المثل، اگر می بینیم صدها دستگاه مغز الکترونیکی نیرومند دست به دست

هم می دهند تا با انجام محاسبات دقیق سفرهای فضایی، راه را برای مسافران فضا هموار سازند و محاسبات آنها درست از آب در می آید و قایق ماه نشین در محلّ پیش بینی شده در کره ماه فرود می آید با اینکه کره ماه و زمین هر دو به سرعت در حرکتند.

از جهان بزرگ، وارد عالم کوچک و کوچکتر و بسیار کوچک می شویم؛ در اینجا - مخصوصاً در عالم موجودات زنده. نظم مفهوم زنده تری به خود می گیرد و هرج و مرج در آن هیچ محلّی ندارد.

مثلاً، به هم خوردن تنظیم سلولهای مغزی انسان کافی است که سازمان زندگی او را به گونه غم انگیزی به هم بریزد.

یک اتم را بزرگ می کنیم به شکل منظومه شمسی در می آید، و اگر فرضاً منظومه شمسی را کوچک کنیم همچون یک اتم خواهد شد، هر دو نظام واحدی دارند؛ بزرگترین منظومه ها، و کوچکترین منظومه ها!

آیا در جهانی اینچنین، انسانی که جزئی از این کل است می تواند یک وضع استثنائی به خود بگیرد، و به صورت وصله ناهم رنگی در آید!

نظری به ساختمان دستگاههای گوناگون و پیچیده بدن هر انسانی می افکنیم می بینیم همه آنها تابع قوانین و نظم و حسابی هستند؛ با این حال، چگونه جامعه بشریت بدون پیروی از ضوابط و مقررات و نظام صحیح و عادلانه می تواند بر قرار بماند!

همزمان با افزایش سطح آگاهی ما، به روشنی می یابیم که باید به نظام عمومی عالم هستی بپیوندیم، و همانطور که واقعاً جزئی از این کل هستیم، عملاً هم چنین باشیم؛ تا بتوانیم به اهداف خود در تمام زمینه های سازنده برسیم.

نتیجه اینکه: نظام آفرینش دلیل دیگری بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در

آینده، در جهان انسانیت خواهد بود.  
 ۳- واکنش های اجتماعی(قانون عکس العمل):

تنها در مباحث فیزیکی نیست که ما به قانونی با نام «قانون عکس العمل» روبه رو می شویم که اگر فی المثل جسمی با فشار معینی به دیوار برخورد کند با همان نیرو و فشار به عقب رانده می شود، بلکه در مسائل اجتماعی این قانون را محسوستر می یابیم.

آزمونهای تاریخی به ما نشان می دهد که همواره تحوّلها، و انقلابهای وسیع، عکس العمل مستقیم فشارهای قبلی بوده است؛ و شاید هیچ انقلاب گسترده ای در جهان رخ نداده مگر این که پیش از آن فشار شدیدی در جهت مخالف وجود داشته است.

به تعبیر دیگر، همیشه تندرویهها سرچشمه دگرگونیها شده است؛ مثلاً:

۱- انقلاب علمی اروپا (رنسانس) واکنشی در برابر یک هزار سال جهل و عقب ماندگی قرون وسطا، و فشارهایی که از طرف متولیان خرافی کلیسا در جهت عقب نگاهداشتن مردم اعمال می شد بود.

۲- انقلاب کبیر فرانسه به سال ۱۷۸۹ - که جهش سیاسی و اجتماعی فوق العاده در برابر استبداد و استعمار طبقاتی و زور گویی و خود کامگی رژیمهای حاکمبود.

۳- انقلاب بر ضدّ بردگی - در سال ۱۸۴۸ که نخست از انگلستان آغاز شد - نتیجه طرز رفتار فوق العاده خشن و ضدّ انسانی برده داران با بردگان بود که از یک سو آتش انقلاب را در خود بردگان، و از سوی دیگر در عواطف برانگیخته شده جامعه ها به سود بردگان، شعله ور ساخت؛ و نظام بردگی را در هم پیچید.

۴- انقلاب بر ضدّ استعمار، در عصر ما، واکنش مستقیم رفتارهای ضدّ انسانی استعمارگران در مستعمرات بوده و هست؛ که باعث شکفتن شعور اجتماعی

مردم استعمار زده گردید و پرچم مخالفت را با قدرتهای استعماری بر افراشتند، هر چند غالباً به استقلال کامل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فکری نینجامید؛ ولی وضع با سابق بسیار تفاوت پیدا کرده است.

و.....

اگر تاریخ را ورق بزنیم و به عقب باز گردیم، در همه جا با مظاهر قانون عکس العمل رو به رو می شویم.

تاریخ پیامبران پر است از یک سلسله تحوّلها که زمینه آنها در اثر فشارهای شدید اجتماعی از پیش فراهم شده بود، و پیامبران با تعلیمات آسمانی خود این انقلابها را رهبری و بارور ساختند، و در مسیر صحیح پیش بردند.

نه تنها در میان سرگذشتهای واقعی ملتّهای جهان، نمونه های فراوانی برای این قانون در تاریخ معاصر و قدیم می یابیم؛ بلکه در اسطوره ها و افسانه های اقوام نیز بازتاب این قانون به خوبی دیده می شود. (مانند افسانه ضحاک و ماردوش و کاوه آهنگر و .....).

در «روانکاوی» و «روانشناسی» امروز بحثی وجود دارد که بازتاب دیگری از قانون عکس العمل است.

این بحث به ما می گوید: اگر امیال انسان به صورت مناسبی ارضا نشود، این امیال سرکوفته و واپس زده، از مرحله «شعور ظاهر» به مرحله «باطن» و ناشناخته روح، عقب نشینی می کند، و در وجدان، ناآگاه (ضمیر باطن) تشکیل عقده یا «کمپلکس» می دهد؛ بلکه به عقیده بعضی ضمیر باطن چیزی جز همین امیال واپس زده نیست!

آنها در نهنگاه ضمیر آدمی آرام نمی نشینند، و دائماً سعی دارند خود را به نحوی نشان دهند؛ عکس العمل این عقده ها در افراد بسیار متفاوت است، که غالباً خود را در ایجاد اختلال روانی یا انزوا و گریز از اجتماع یا انتقام جوئی و...



نشان می دهد.

بنابراین، ملاحظه می کنیم که فشارهای روانی نیز همواره با انقلاب و واکنشی شدید روبه رو می شود که چهره دیگری از قانون عکس العمل است.

نتیجه: این قانون به ما می گوید وضع کنونی جهان، آستن انقلابی است.

فشار جنگها، فشار مظالم و بیدادگریها، فشار تبعیضها و بی عدالتی ها، توأم با ناکامی و سرخوردگی انسانها از قوانین فعلی برای از بین بردن یا کاستن این فشارها، سرانجام واکنش شدید خود را آشکار خواهد ساخت.

سرانجام این خواسته های واپس زده انسانی، در پرتو آگاهی روز افزون ملتها، چنان عقده اجتماعی تشکیل می دهد که از نهانگاه ضمیر باطن جامعه، با یک جهش برق آسا، خود را ظاهر خواهند ساخت و سازمان نظام کنونی جوامع انسانی را به هم می ریزند؛ و طرح نوینی ایجاد می کنند.

۴- الزامها و ضرورت های اجتماعی:

منظور از «الزام اجتماعی» این است که وضع زندگی اجتماعی انسانها به چنان مرحله ای برسد که احساس نیاز به مطالبی کند و آن را به عنوان یک «ضرورت» بپذیرد.

این را هم می دانیم که هر انسانی در آغاز چنان است که می خواهد از هر نظر آزاد باشد و هیچ گونه محدودیتی در زندگی او وجود نداشته باشد، ولی کم کم می فهمد که این گونه آزادی او را از بسیاری از امتیازات زندگی جمعی محروم می سازد، و به خواسته های اصیل او زیان می رساند؛ و اگر قید و بندهایی به نام «قانون» را نپذیرد، اجتماعی که در آن زندگی می کند گرفتار هرج و مرج می شود و از هم متلاشی می گردد.

اینجاست که تن به مقررات و اصول و قوانینی می دهد.

همینطور با پیشرفت جوامع؛ روز به روز

بر میزان این قید و بندها افزوده می شود، و باز همه آنها را به عنوان «ضرورت» می پذیرد.

یک مثال ساده برای این موضوع می زنیم: در مورد مقررات رانندگی و ترافیک، هنگامی که وسیله نقلیه سریع التیری در اختیار انسان قرار می گیرد، دلش می خواهد آزادانه به هر جا می خواهد برود؛ در هر جا مایل باشد توقف یا پارک کند؛ با هر سرعتی براند؛ بر سر چهار راهها بدون معطلی به راه خود ادامه دهد؛ ولی به زودی می فهمد اگر این کار را او بکند، دلیلی ندارد که دیگران نکنند، و نتیجه آن هرج و مرج و انواع خطرناک است.

لذا امروز هر کودکی می داند این موضوع درست نیست؛ باید مقرراتی در کار باشد، هر چند ساعتها او را از رسیدن به مقصدش عقب بیندازد؛ باید جریمه و انضباط شدید (اما عادلانه و عاقلانه!) در کار باشد وگرنه هر روز صدها نفر، جان خود، یا وسیله نقلیه خویش را در این راه از دست می دهند.

این را می گوئیم «ضرورت» یا «الزام» اجتماعی.

ولی مهم این است که یک «نیاز واقعی» جامعه‌انقدر آشکار گردد که ضرورت بودنش را، همه یا حداقل متفکران و رهبران جامعه بپذیرند؛ و این در درجه اول بستگی به بالا رفتن سطح آگاهی و شعور اجتماعی مردم دارد، و سپس ارتباط با آشکار شدن نتایج نامطلوب وضع موجود جامعه و عدم امکان ادامه راه.

شاید بسیاری از مردم در قرن ۱۷ و ۱۸، با مشاهده پیشرفتهای چشمگیر صنعتی، ترسیمی که از قرن بیستم داشتند، ترسیم یک بهشت برین بود؛ فکر می کردند با آهنگ سریعی که رشد صنایع به خود گرفته روزی فرا خواهد رسید که:

منابع زیرزمینی پشت سر هم کشف می شود؛

نیروی «اتم» که مهمترین و عظیمترین منبع انرژی است بالاخره با سرپنجه علم مهار می گردد؛

انسان به رویای پرواز به آسمانها تحقق می بخشد؛

با یک فشار آوردن روی یک دکمه خانه اش جاروب، غذا پخته، لباسها و ظرفها شسته، اطاقها در زمستان گرم و در تابستان سرد می شود؛ با زدن یک دکمه زمین شکافته، بذر افشانده و سرانجام محصول آن با ماشینهای مجهز جمع آوری و پاک و بسته بندی و آماده مصرف می گردد...؛

آنگاه انسان می نشیند و از اینهمه آسایش و آرامش و راحتی لذت می برد!

ولی باور نمی کردند که انسان صنعتی و ماشینی زندگی مرفه تری نخواهد داشت، بلکه پا به پای پیشرفت تکنولوژی، سروکله نابسامانیهای تازه و غول مشکلات جدید پیدا می شود؛ عفريت «جنگهای جهانی» سایه وحشتناک خود را بر کانونهای ماشین و صنعت، خواهد افکند؛ و در مدت کوتاهی آن را چنان در هم می کوبد که هرگز در خواب هم نمی دید!

تازه می فهمد زندگی او چقدر خطرناک شده است!

اگر در گذشته سخن از جنگهایی در میان بود که در آن چند هزار نفر جان خود را از دست می دادند، فعلا سخن از جنگی در میان است که بهای آن نابودی تمدن در کره زمین و بازگشت به عصر حجر است!

کم کم می فهمد برای حفظ وضع موجود، و پیروزیهای بزرگ صنعتی و تمدن؛ مقررات گذشته، هرگز کافی نیستند، و باید تن به مقررات تازه ای بدهد.

کم کم زمانی فرا می رسد که «وجود حکومت واحد جهانی» برای پایان دادن به مسابقه کمرشکن تسلیحاتی؛ برای پایان دادن به کشمکشهای روز افزون

قدرتهای بزرگ؛ برای کنار زدن دنیا از لب پرتگاه جنگ؛ به عنوان یک «ضرورت» و «یک واقعیت اجتناب ناپذیر» احساس می گردد که باید سرانجام این مرزهای ساختگی و دردسرساز بر چیده شود و همه مردم جهان زیر یک پرچم و با یک قانون زندگی کنند!

زمانی فرا می رسد که سطح شعور اجتماعی در جهان به مرحله ای می رسد که به روشنی می بینند توزیع ظالمانه ثروت به شکل کنونی که در یک سوی دنیا و حتی گاهی در یک طرف شهر، مردمی چنان مرفه زندگی می کنند که سگ و گربه های آنها نیز بیمارستان و پزشک و دندانساز و اطاق مجلل خواب دارند؛ ولی در طرف دیگر، مردمی از گرسنگی، همچون برگهای زرد پائیزی روی زمین می ریزند؛ عاقبت وحشتناکی در پیش دارد؛ و بدون یک سیستم توزیع عادلانه ثروت، جهان روی آرامش نخواهد دید؛ بلکه غنی و فقیر، کشورهای پیشرفته و عقب مانده هر دو در زحمت خواهند بود.

هنگامی که این مسائل بر اثر آشکار شدن عکس العملهای نامطلوب وضع موجود، و بالا رفتن سطح شعور عمومی، به مرحله یک «ضرورت» رسید انقلاب و دگرگونی حتمی خواهد بود، همانطور که در گذشته نیز چنین بوده است.

بنابراین، «الزام اجتماعی» عامل موثر دیگری است که با کاربرد نیرومند خود، مردم جهان را خواه ناخواه، به سوی یک زندگی آمیخته با صلح و عدالت؛ پیش می برد، و پایه های یک حکومت جهانی را براساس طرح تازه ای می چیند.

۵- فطرت و هدایت انسان به سوی صلح و عدالتجهانی:

اولاً: با تمام اختلاف هایی که در میان ملتها و امتهای در طرز تفکر، آداب و رسوم، عشقها و علاقه ها، خواسته ها و مکتب ها، وجود دارد؛ همه بدون استثنا سخت به این دو علاقه مندند، و گمان می کنم

دلیلی بیش از این برای فطری بودن آنها لزوم ندارد؛ چه اینکه همه جا عمومیت خواسته ها دلیل بر فطری بودن آنهاست. آیا این یک عطش کاذب است؟

یا نیاز واقعی که در زمینه آن، الهامدرونی به کمک خرد شتافته؛ تا تاکید بیشتری روی ضرورت آن کند؟ (دقت کنید)

آیا همیشه تشنگی ما دلیل بر این نیست که آبی در طبیعت وجود دارد و اگر آب وجود خارجی نداشته باشد آیا ممکن است عطش و عشق و علاقه به آن در درون وجود ما باشد؟

ما می خروشیم، فریاد می زنیم، فغان می کنیم و عدالت و صلح می طلبیم؛ و این نشانه آن است که سرانجام این خواسته، تحقق می پذیرد و در جهان پیاده می شود.

اصولاً فطرت کاذب مفهومی ندارد؛ زیرا می دانیم آفرینش و جهان طبیعت یک واحد به هم پیوسته است، و هرگز مرکب از یک سلسله موجودات از هم گسسته، و از هم جدا نیست.

روی این جهت «هر عشق اصیل و فطری حاکی از وجود معشوقی در خارج و جذبه و کشش آن است.»

«عشقی» که معشوقش تنها در عالم رویاها وجود دارد یک «عشق قلابی» است؛ و در جهان طبیعت هیچ چیز قلابی وجود ندارد؛ تنها انحراف از مسیر آفرینش است که یک موجود قلابی را جانشین یک واقعیت اصیل می کند. (دقت کنید) به هر حال، فطرت و نهاد آدمی به وضوح صدا می زند که سرانجام، صلح و عدالت، جهان را فرا خواهد گرفت؛ و بساط ستم برچیده می شود؛ چرا که این خواست عمومی انسانها است.

ثانیاً: تقریباً همه کسانی که در این زمینه مطالعه دارند متفقند که تمام اقوام جهان در انتظار یک رهبر بزرگ انقلابی به سر می برند که هر کدام او را به نامی می نامند، ولی همگی در اوصاف کلی و اصول

برنامه های انقلابی او اتفاق دارند.

بنابراین، برخلاف آنچه شاید بعضی می پندارند، مساله ایمان به ظهوریک نجاتبخش بزرگ، برای مرهم نهادن بر زخمهای جانکاه بشریت، تنها در میان مسلمانان، و حتی منحصر به مذاهب شرقی نیست، بلکه «اسناد و مدارک» موجود نشان می هد که این یک اعتقاد عمومی و قدیمی، در میان همه اقوام و مذاهب شرق و غرب است، اگر چه در پاره ای از مذاهب همچون اسلام تاکید بیشتری روی آن شده است.

و این خود دلیل و گواه دیگری بر فطری بودن این موضوع است. (۱)

**پی نوشت:**

(۱). گردآوری از کتاب حکومت جهانی مهدی، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، نسل جوان، قم، ۱۳۹۰ ش، نوبت هشتم، تلخیصی از ص ۱۵ - ۵۲.



**حکم رقص****پرسش:** رقصیدن چه حکمی دارد؟**پاسخ:** تنها رقص زن برای شوهرش (بدون حضور دیگران) جایز است، و بقیه اشکال دارد.**حکم رقص محلی****پرسش:** گرفتن یا دادن شاباش چه حکمی دارد؟**پاسخ:** تنها رقص زن برای شوهرش (بدون حضور دیگران) جایز است، و بقیه اشکال دارد. البته منظور رقص لهوی است، نه هرگونه حرکات منظم و موزون.**حکم کف زدن و چوب بازی در مجالس عروسی****پرسش:** حکم کف زدن و چوب بازی در مجالس عروسی چیست؟**پاسخ:** دست زدن اگر با امور حرام دیگری مقرون نباشد حرام نیست، چوب بازی نیز اشکالی ندارد، مگر این که مفسده خاصی بر آن مترتب شود.**شرائط مجلس عروسی اسلامی****پرسش:** یک مجلس عروسی اسلامی چگونه باید برگزار شود؟**پاسخ:** چنانچه از رقص و موسیقی حرام و کارهای نامشروع دیگر پرهیز شود، و اشعار مناسب خوانده شود، یا نمایش های شاد مشروعی داده شود مانعی ندارد. و بسیاری از متدینین در جلسات جشن ازدواج و مانند آن از همین روش استفاده می کنند.**حکم غنا و موسیقی در مراسم عروسی****پرسش:** حکم استفاده از آلات موسیقی در عروسی چیست؟ آیا بین مراسم عروسی و غیر آن تفاوتی وجود دارد؟**پاسخ:** آهنگها و موسیقی های مناسب مجالس لهو و فساد، در هر حال حرام است، این کار نسبت به آن دسته از آلات موسیقی که غالباً با آن، آهنگهای مناسب مجالس لهو و فساد نواخته می شود جایز نیست و در غیر آن اشکالی ندارد که تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف، یعنی افراد فهمیده متدین، ممکن خواهد شد.**حکم عکس گرفتن زنان در مجالس عروسی****پرسش:** آیا خواهران مذهبی می توانند در عروسی ها و عقدها که نوعاً بدحجاب و آرایش کرده هستند، جلو دوربین قرار بگیرند توسط خواهران عکاس عکس آنها گرفته بشود؟ (البته چاپ آن توسط مرد می باشد)**پاسخ:** عکس گرفتن از زنان به وسیله زنان اشکالی ندارد، مگر این که به دست مردان بیگانه بیفتد و آنها را بشناسند و یا منشا فساد شود.**حکم کاروان های عروسی****پرسش:** حکم کاروانهای عروسی که عروس را با بوق زدن و دست زدن در خیابانها می برند چیست؟**پاسخ:** این کارها مناسب اهل دین نیست و چنانچه تولید مزاحمت برای دیگران نماید اشکال دارد.**حکم آواز خواندن زنان در مجالس عروسی****پرسش:** حکم آواز خوانی زن (چه در مجالس عروسی یا غیر آن و چه اشعار مذهبی یا غیر آن) چه حکمی دارد؟**پاسخ:** خواندن آواز در حضور مردان جایز نیست، ولی برای زنان در صورتی که آهنگ آن مناسب مجالس لهو و فساد نباشد و منع قانونی نیز نداشته باشد اشکال ندارد.





اللهم صل على محمد وآل محمد